

## در میزگرد تخصصی «طبیعت ایران» مطرح شد «موانع پیشرفت و توسعه برنامه زراعت چوب» (بخش اول)



با توجه به اهمیت موضوع زراعت چوب در کشور، بر آن شدیم تا از متخصصان مربوطه دعوت و در نشست پیرامون «موانع پیشرفت و توسعه برنامه زراعت چوب»، گفت‌وگو کنیم. در این گفت‌وگو، از نظرات آقایان دکتر علی‌زاده علی‌آبادی، کامران پورمقدم، خسرو ثاقب‌طالبی، محسن کلاگری، علیرضا مدیررحمتی، هادی کیادلیری، وحید اعتماد، سیدهاشم موسوی‌نژاد، مجید پاتو، فرهاد اسدی، علی‌اصغر پالوج، طالب امین‌پور، محمود طالبی، سیداحمد مولایی و احمد بابازاده و سرکار خانم دکتر لیلا وطنی بهره بردیم. ذکر این نکته لازم است که این گفت‌وگو، در قالب نشست نخبگانی مؤسسه برگزار شد که از آن برای گفت‌وگوی چالشی «نشریه طبیعت ایران» نیز بهره بردیم تا مطالب ارزشمند ارائه‌شده در اختیار علاقه‌مندان موضوع و مسئولان کشور قرار گیرد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخش اول این گفت‌وگوست.

آقای دکتر علی‌زاده علی‌آبادی (رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور) ضمن عرض سلام محضر بزرگواران حاضر در این نشست و دوستانی که به‌طور مجازی با ما در ارتباط هستند، حضور تک‌تک بزرگواران خیر مقدم عرض می‌کنم. از اینکه امروز در محضر بزرگواران، پیشکسوتان و صاحب‌نظران حوزه صنوبرکاری و زراعت چوب هستیم، بسیار خوشحالیم، امیدواریم حداقل بخشی از ابهامات، سؤالات، دغدغه‌ها و مباحثی که در موضوع زراعت



مجید پاتو



علی اصغر پالوج



علی‌زاده علی‌آبادی



علیرضا مدیررحمتی



فرهاد اسدی



کامران پورمقدم



هادی کیادلیری



خسرو ثاقب‌طالبی



وحید اعتماد



محمود طالبی



محسن کلاگری



لیلا وطنی



احمد بابازاده



سید هاشم موسوی نژاد



سید احمد مولایی



طالب امین‌پور



چوب صنوبر و در کنار آن چوب اکالیپتوس یا در نهایت چوب‌های وارداتی تنظیم شدند، به سایر انواع چوب‌ها و مواد اولیه نیز نیازمندند؟ این هم نکته‌ای است که باید مدنظر قرار گیرد، در واقع، در اجرای این طرح، بر این باوریم که اگر بتوان ۳۰۰ هزار هکتار از اراضی کشور را زیرکشت درختان سریع‌الرشد به‌خصوص صنوبر برد، با میانگین تولید ۲/۵-۲ مترمکعب در هکتار، کل نیازمان به ۶ میلیون مترمکعب برآورده می‌شود، پرسش این است، آیا نیاز چوبی کشور، که ۶ میلیون آن از طریق واردات تأمین می‌شود، با تولید چوب صنوبر بیشتر، برطرف می‌شود؟ یا بخش عمده‌ای از این ۶ میلیون مترمکعب، انواع چوب‌های دیگری هستند که باید به آنها نیز پرداخت؟ این هم مسئله‌ای است که باید به آن توجه شود. صنایع کشور چه نوع چوب‌هایی را احتیاج دارند تا نیازشان برطرف شود؟ نیاز چوبی کشور ۶ میلیون مترمکعب است که از خارج می‌آید، علاوه بر آن با ۳۰۰ هزار هکتار صنوبرکاری جدید، که استعدادیابی آن توسط مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور انجام شده است، می‌توان این میزان از چوب موردنیاز کشور را تولید کرد. مطلب دیگر موضوع قیمت است، همیشه وقتی که تولید زیاد می‌شود، قیمت کاهش پیدا می‌کند، هم‌اکنون با توجه به قیمت

روشن‌سازی شود. گفته می‌شود از این میزان، حدود ۲ تا ۲/۵ میلیون مترمکعب مربوط به صنوبر است، مشخص نیست، این عدد با یک ضرب و تقسیم سطح زیرکشت صنوبر، که نزدیک به مثلاً ۱۱۵-۱۱۰ هزار هکتار صنوبر موجود در کشور است، که به‌طور میانگین گفته شده است میزان تولید آن مثلاً ۲/۵-۲ یا در نهایت ۳ میلیون مترمکعب در هکتار است، به بیان بهتر، آیا این عدد تنها با یک ضرب و تقسیم ساده به دست آمده است یا نه در واقعیت‌های میدانی نیز چنین است؟ البته که این آمارها فقط به صنوبر مختص نیست، متأسفانه همه آمارهای موجود در کشور مورداطمینان صددرصدی نیستند، این موضوع در جای خود، بحث‌های زیادی دارد، به‌رحال چیزی که گفته می‌شود، نیاز چوبی کشور، ۱۳-۱۲ میلیون مترمکعب است که ۵/۵ تا ۶ میلیون هکتار آن در داخل تولید و مابقی هم از خارج از کشور وارد می‌شود، این ظرفیت شاید تا نزدیک به ۱۶ میلیون مترمکعب باشد که البته قابل‌گسترش است. این تدقیق آمار در صنعت به ما کمک می‌کند تا دریابیم، صنعت چطور می‌تواند خود را با این تولیدات وفق دهد، هماهنگ کند و پیش برود. در واقع، برنامه‌ریزی صنعت کشور براساس همین آمار است. آیا صنایع چوبی موجود در کشور که بر مبنای

چوب و به‌ویژه بحث کاشت صنوبر وجود دارد، در این نشست مطرح و بررسی شود. در مورد بحث زراعت چوب و همین‌طور کاشت صنوبر، علاوه بر ابهامات و تردیدهای آماری، به‌لحاظ مساحت زیرکشت و میزان تولید چوب، موانع و مشکلاتی نیز وجود دارد، بنده در اینجا و با هدف شکل‌گیری و جهت‌گیری بحث، کلیاتی را عرض می‌کنم، همچنین رئیس محترم بخش تحقیقات صنوبر و درختان سریع‌الرشد نیز مطالبی را تهیه کرده‌اند که ارائه خواهند داد، در ادامه از فرمایشات مجری محترم طرح، جناب آقای دکتر پورمقدم، بهره خواهیم برد، همچنین، مطالب سایر دوستان را، که از دانشگاه، از بخش خصوصی، از میان صنوبرکاران نمونه و غیره، حضور دارند، خواهیم شنید تا در نهایت به خروجی مطلوبی برای تسهیل این فعالیت دست یابیم.

همواره گفته می‌شود، نیاز چوبی ما در کشور حدود ۱۳-۱۲ میلیون مترمکعب است، البته گاهی عدد ۱۶ میلیون مترمکعب هم اعلام می‌شود، تقریباً کمتر از نصف این مقدار، یعنی ۵/۵-۵ میلیون مترمکعب، در داخل کشور تولید و تأمین می‌شود و مابقی آن از طریق واردات تأمین می‌شود، حال واقعیت قضیه چیست؟ این آمار چگونه به دست آمده است؟ تردیدهایی در میان دوستان وجود دارد که باید



زنجیره جا افتاده بود و به خوبی پیش می‌رفت، متأسفانه طرح یک میلیارد درخت، به جای حمایت و بهبود کیفیت و وضعیت آن، اگر چه از لحاظ کمی، جهشی در آن ایجاد کرد، از نظر روندها و کیفیت، قدم مثبت و قابل قبولی در این راه بر نداشت. در واقع، اتفاقی که افتاده است اینکه، همه نهال‌های تولید شده صنوبر، به صورت رایگان در اختیار مردم قرار می‌گیرند، حال، تعداد متقاضیان زیتون تلخ و سایر درختان جنگلی را با تعداد متقاضیان صنوبر مقایسه کنید. طبیعی است نهالی که تا سال گذشته، بیست تا سی تومان بوده و قیمت آن هم‌اکنون، به شصت تومان رسیده است، وقتی رایگان توزیع می‌شود، متقاضی بیشتری دارد. این موضوع، چالش‌های جدی در طرح ایجاد کرده است، روند و چرخه قدیمی تولید، فروش، عرضه، خرید و کاشت نهال بر هم خورده است، هنگامی که نهال به صورت رایگان عرضه می‌شود، نهالستان‌دار انگیزه‌ای برای کاشت آن ندارد، هیچ تضمینی هم برای خرید همه نهال‌های تولید شده او از طرف دولت وجود ندارد. متأسفانه این موضوع موجب بروز انحراف و حتی فساد شده است، برای نمونه، در برخی استان‌ها دیده شده است، اگر نیاز، پنجاه اصله نهال بوده، پانصد اصله تحویل گرفته شده، یعنی چهارصد و پنجاه اصله اضافه و رایگان،

پورمقدم هم از طرف وزیر محترم وقت، مجری طرح صنوبر هستند، ارتباط بین طرح یک میلیارد درخت، که تقریباً نصف نهال‌های آن صنوبر هستند، با طرح زراعت چوب که، مجری محترم آن در این نشست حضور دارند، چیست؟ جایگاه این دو طرح باید مشخص شود. مقام‌های پاسخگو در این دو طرح باید مشخص باشند. باید مشخص باشد، پیشنهادها و توصیه‌ها خطاب به چه کسانی ارائه شوند. آخرین مطلبی که در این بخش از نشست، به آن اشاره می‌کنم، وضعیت زراعت چوب به خصوص صنوبرکاری در طرح یک میلیارد درخت است که در جلسه‌های دیگر هم به آن اشاره کرده‌ام، به عنوان نمونه، به‌تازگی در یک وینار در کرمان در جلسات یکشنبه طرح یک میلیارد درخت، این موضوع را مطرح کردم. همان‌طور که همه دوستان به خصوص آقای دکتر پورمقدم می‌دانند، ما یک زنجیره تولید صنوبری در کشور داشتیم که جا افتاده بود و خوب داشت جلو می‌رفت، نهالستان‌هایی بودند که صنوبر تولید می‌کردند، براساس هزینه‌های تولید، آنها را قیمت‌گذاری می‌کردند و به متقاضیان می‌فروختند، صنوبرکاران هم از آنها خرید می‌کردند و نهال‌ها را می‌کاشتند. این فرایند تولید و فروش نهال توسط نهالستان و خرید و کاشت آن توسط متقاضی، به صورت یک

موجود، کشاورزان برای کاشت انگیزه دارند، تا آنجا که ممکن است برنج‌کاری‌هایشان را تبدیل به زراعت چوب کنند، هم‌اینک و با توجه به بحث‌های موجود پیرامون افزایش سطح زیرکشت و به دنبال آن افزایش تولید، در آینده نه‌چندان دور، قیمت‌ها تغییر خواهند کرد، پرسش این است، آیا کشاورزان انگیزه تداوم در این کار را خواهند داشت یا اینکه کنده‌کنی می‌کنند و دوباره زمین‌هایشان را زیرکشت محصولات دیگر می‌برند؟ موضوع دیگر در ارتباط با طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت است. در ابتدای اجرای این طرح، در سال ۱۴۰۱، مقرر بود از این یک میلیارد درخت، ۳۰۰ میلیون آن به زراعت چوب اختصاص پیدا کند، هم‌اکنون از این پیش‌بینی فراتر رفتیم، شاید نزدیک به نصف سطح زیرکشت ما در طرح یک میلیارد درخت، به صنوبر اختصاص پیدا کرده است. متأسفانه هم‌اینک، رابطه و جایگاه طرح زراعت چوب با طرح یک میلیارد درخت، در ابهام است، نقش صنوبرکاری و زراعت چوب در طرح یک میلیارد درخت، بسیار بسیار مهم است، به طوری که، نصف سطح زیرکشت این طرح را به خودش اختصاص داده است، همان‌طور که اطلاع دارید، این طرح، به‌طور مستقل، یک مجری دارد، از طرف دیگر، جناب آقای دکتر



در بازار فروخته شده است. در اینجا، متأسفانه طرح یک میلیارد درخت، به جای برداشتن گام‌های مثبت، ناخواسته یک زنجیره متعادل را مختل کرده است. البته که هنوز خیلی دیر نشده است، از نظر بنده، اگر قرار است طرح زراعت چوب و کاشت صنوبر در کشور با کارشناسی و به‌درستی پیش رود، نباید از یک طرف مجری طرح یک میلیارد نهال به این موضوع بپردازد و از طرف دیگر، مجری طرح زراعت چوب، باید تکلیف روشن باشد و هماهنگی ایجاد شود، یا ادغام شوند یا اگر مستقل هستند، تکلیف، وظیفه و پاسخگویی هر کدام مشخص باشد، از آنجایی که بنده در کمیته علمی طرح یک میلیارد درخت حضور دارم، شاهد برخی از این دست مشکلات هستم، این مسائل باید به روش‌های مناسبی حل شوند. البته که تاکنون اقدامات بسیار خوبی هم انجام شده است، روی ارقام مختلفی کار شده و سازگاری‌ها بررسی شده است، هم‌اکنون می‌دانیم در شمال کشور، چه گونه‌ای باید کاشت، گونه مناسب برای مرکز کشور کدام است، در مناطق گرم باید چه گونه‌هایی را کشت کرد، گونه‌های مناسب مناطق خشک و کم‌آب کدام‌ها هستند. طرح‌های تحقیقاتی بسیاری پیرامون قابلیت آب‌های قهوه‌ای (فاضلاب و ...) در گسترش زراعت چوب اجرا شده است. با تلاش‌های بی‌وقفه همکاران ما مشخص شد، در چه مکان‌هایی می‌توان زراعت چوب را گسترش داد، کجا می‌توان سطح زیرکشت اکالیپتوس را افزایش داد، کدام اراضی مناسب صنوبرکاری هستند. همچنین آنها، ظرفیت‌سنجی و مشخص کردند، چه سطحی از اراضی کشور را می‌توان به صنوبرکاری اختصاص داد، البته در اینجا نیز بحثی وجود دارد و آن اینکه، آیا اراضی که به صنوبرکاری اختصاص یافته است، مناسب محصولات مثل زردآلو نیست؟ البته که این را نیز مشخص کردند، مثلاً در نهایت، چقدر می‌توانیم صنوبر بکاریم، در واقع، این پشته‌های است برای همکارانی که در حال توسعه این طرح هستند. بنده به‌همراه همکاران پرتلاشم در این مؤسسه هم در معرفی ارقام و هم در نحوه کاشت، دستاوردهای زیادی داریم، به‌عنوان مثال، تولید نهال

صنوبر برای اهداف مختلف از جمله تولید خمیرکاغذ یا کاربرد در صنایع مبلمان و سایر موارد، متفاوت است، فاصله کاشت نهال‌ها و مدت زمان ماندگاری آنها در مزرعه تا زمان برداشت متفاوت است. به‌طوری‌که همکاران بنده، این موارد را بررسی کردند، اینکه نهال‌ها را با چه فاصله‌هایی بکارند تا برای کشاورز صرفه اقتصادی داشته باشد، یا درخت را در چندسالگی برداشت کنند تا برای تولید خمیرکاغذ مناسب باشد، یا برای تولید چوب مرغوب برای کاربرد در صنایع چوبی، فاصله و دوره کاشت نهال‌ها چگونه باشد. همه این موارد هم در بحث زراعت، هم در معرفی رقم و هم در استعدادیابی مطالعه و بررسی شده است. اطلاعات علمی بسیار خوبی وجود دارد، در بخش اجرایی نیز فعالیت‌های خوبی انجام شده است، تفاهم‌نامه‌ها، ارتباطات و تسهیلاتی که برقرار و انگیزه‌هایی که ایجاد شده است، البته که جای خالی بعضی موارد هم دیده می‌شود، مثلاً نیاز به ایجاد یک اتحادیه برای صنوبرکاران، مثل اتحادیه گندم‌کاران، صیفی‌کاران، گلخانه‌داران و ...، یکی دیگر از مباحثی است که از نظر بنده باید به‌صورت جدی بررسی و پیگیری شود، جایگاه درست زراعت چوب کدام است، زراعت چوب در کدام رده قرار دارد؟ زراعت و باغبانی یا جنگل و مرتع. برای مثال، هنگامی که زراعت چوب در دسته جنگل و مرتع قرار می‌گیرد، زراعت‌کاران متضرر می‌شوند، چراکه تسهیلات کاشت گندم، تسهیلات کاشت برنج، تسهیلات مربوط به کود و سموم موردنیاز ارائه‌شده از سوی سازمان جهاد کشاورزی به آنها تعلق نمی‌گیرد، از طرف دیگر، جنگل و مرتع هم به آنها تسهیلاتی نمی‌دهد، چراکه در واقع آنها زمین‌های برنج‌کاری‌شان را به زراعت چوب تخصیص داده‌اند، این چنین است که زراعت‌کار چوب بلاتکلیف خواهد ماند. این دسته‌بندی باید مشخص شود، اینکه زراعت چوب در کدام دسته قرار دارد و تحت حمایت کدام سازمان است، این بلاتکلیفی را برطرف می‌کند. برای مثال اگر ذیل سازمان منابع طبیعی قرار می‌گیرد، باید قوانینی تدوین شود تا تسهیلات زراعت گندم در اختیار سازمان منابع طبیعی باشد تا بتواند کارش را به‌درستی انجام دهد. تصریح و تعیین دقیق جایگاه این فعالیت از نظر بنده مهم

است، بیشتر برای اینکه تکلیف کسی که مشغول زراعت چوب است، روشن باشد، اینکه باید به کجا مراجعه و نیازهایش را از چه سازمانی تأمین کند.

در ادامه، آقای دکتر کلاگری مطالب خود را ارائه خواهند داد و مباحث بعدی را هدایت خواهند کرد، از فرمایش تک‌تک دوستان هم در جهت روشن‌سازی مباحث طرح‌شده توسط بنده و هم همه آنچه توسط شما بزرگواران مطرح خواهد شد، استفاده خواهیم کرد.



دکتر محسن کلاگری (رئیس بخش تحقیقات صنوبر و درختان سریع‌الرشد) ضمن عرض سلام و احترام حضور سروران گرامی، از همه صاحب‌نظران، کارشناسان و بهره‌برداران عزیزی که در جمع ما حاضر هستند، بی‌نهایت سپاسگزارم. طبق فرمایش آقای دکتر علیزاده، هدف از تشکیل نشست امروز این است که تصمیماتی گرفته و ابهامات برطرف شود و در نهایت روند توسعه زراعت چوب در کشور تسهیل شود. بنده قصد سخنرانی ندارم و هدفم بیشتر، طرح موضوع است. عنوان جلسه نخبگانی که امروز تشکیل شده، موانع پیشرفت و توسعه برنامه زراعت چوب است که به‌هرحال

ابهاماتی در آن وجود دارد که البته آقای دکتر علیزاده به‌خوبی به برخی از آنها اشاره کردند. هدف اصلی، بحث پیرامون این ابهامات است، امید که نتیجه‌ای حاصل شود و بتواند به ما در توسعه بهتر زراعت چوب یاری دهد. همانطور که همه میدانید، مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی موجب توقف بهره‌برداری از جنگل‌های هیرکانی از سال ۱۳۹۵ شد، پس از آن فرایند تأمین چوب موردنیاز صنایع چوب و کاغذ دچار مشکل شد، در سال ۱۳۹۷، برنامه ملی توسعه زراعت چوب با محوریت تولید چوب در خارج از جنگل‌های شمال و خارج از جنگل‌های طبیعی تنظیم شد و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در مسیر توسعه زراعت چوب حرکت کرد. در برنامه ملی توسعه زراعت چوب به‌خوبی به گونه‌های تندرشد چوبی زودبازده مثل کلن‌های صنوبر و گونه‌های مناسب اکالیپتوس برای نیل به اهداف از پیش تعیین‌شده یعنی تأمین مواد اولیه صنایع کارخانجات چوب و کاغذ (تخته‌فیبر، خمیر کاغذ، نئوپان، امدی‌اف و انواع کامپوزیت) اشاره شده بود و در مقابل بحثی پیرامون صنایع به‌اصطلاح روکش و صنایع به‌قول معروف لوکس چوبی به میان نیامده بود. در واقع بیشتر، صنایع یادشده مدنظر بودند تا نیاز چوبیشان تأمین شود. بهره‌برداری از اراضی ملی مستعد در این برنامه، طبق ضوابط و شرایط ماده سه قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و در محدوده‌های طرح‌های جنگلداری چندمنظوره اراضی دولتی متعلق به سازمان‌ها و نهادهای دولتی، همچنین در اراضی بخش خصوصی مستثنیات تعریف شد. در برنامه اجرایی توسعه زراعت چوب دو بخش وجود داشت: بخش توسعه کیفی و بخش توسعه کمی. توسعه کیفی در واقع به بخش‌های پژوهشی، آموزشی و تحقیقاتی از جمله مؤسساتی مثل مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور و حتی دانشگاه‌ها مربوط است که بیشتر، افزایش عملکرد تولید چوب را در واحد سطح مدنظر داشتند، البته که بخش خصوصی هم با ظرفیت‌های خود در این کار مشارکت می‌کرد، بسیاری از بخش‌های خصوصی هم‌اینک نیز در حال همکاری با مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور هستند، در اینجا به فعالیت‌های پژوهشی این بخش در رابطه با توسعه کمی یا

افزایش سطح زیرکشت صنوبر، که زیر نظر سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری بود و با مشارکت عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان انجام شد، اشاره می‌کنم. همچنین، اشاره به دستاوردهای بنده و همکارانم در توسعه کیفی صنوبر و معرفی ارقام پرمحصول خالی از لطف نیست. نزدیک به ۳۵-۳۰ رقم صنوبر را معرفی کردیم، اکالیپتوس گونه کامالدونسیس، که سازگاری آن طی چند دهه بررسی و تأیید و در نهایت به‌عنوان رقم سازگار معرفی شد. در استان‌های شمالی کشور یعنی گیلان، مازندران و گلستان و به‌تفکیک هر استان، ارقام مناسب کاشت معرفی شدند، برای استان گیلان، کلن‌های دلتوئیدس و بعضی از کلن‌های اورامریکن، برای استان مازندران اغلب کلن‌های دلتوئیدس و اورامریکن و برای استان گلستان، بیشتر اورامریکن‌ها و یکی دو تا هم دلتوئیدس معرفی شد، در واقع این گونه‌ها مناسب کاشت در این استان‌ها بودند. در خارج از استان‌های شمالی نیز ارقام پرمحصولی از کلن‌های نیگرا را معرفی کردیم. بحث بعدی ظرفیت‌سازی برای تولید و توسعه زراعت چوب بود. یکی از روش‌هایی که به‌شدت توصیه کردیم، بهره‌برداری کوتاه‌مدت از صنوبر بود، طرح آقای دکتر مدیررحمتی، که برای تولید چوب به روش شاخه‌زاد و با دوره بهره‌برداری کوتاه‌مدت اجرا شد. نتایج حاصل از این طرح توانست حجم زیاد چوب را در واحد سطح تولید کند، همچنین، مواد اولیه صنایع چوب و کاغذ را در ابعاد کوچک و نیز مواد اولیه صنایع امدی‌اف و تخته‌خرده‌چوب را تأمین نماید، بسیاری از افراد از این روش در شمال کشور استفاده کردند. جناب آقای بابازاده از مجریان این طرح بودند که این کار را با ارقام خاصی که ما معرفی کرده بودیم، در زمین شخصیشان انجام دادند و نتیجه بسیار خوبی هم گرفتند. از ظرفیت‌هایی که می‌توانند عملکرد تولید را در واحد سطح افزایش و فاصله میان درآمد حاصل از زراعت چوب و سایر محصولات زراعی را کاهش دهند، می‌توان به ظرفیت استفاده از آب‌های نامتعارف مثل فاضلاب و پساب و نیز ظرفیت کشت تلفیقی صنوبر با محصولات زراعی، علوفه‌ای و دامی اشاره کرد. در ارتباط با توسعه کمی مساحت نیز، ابتدا باید

نیازسنجی شود، این کار هم توسط مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور انجام شد. براساس سرانه جمعیت کشور و میزان مصرف چوب مشخص شد، میزان نیاز سالانه کشور به چوب، عددی حدود ۱۶ میلیون مترمکعب است، برای یک دوره ده‌ساله یعنی تا سال ۱۴۰۸ پیش‌بینی شد، ۵ میلیون مترمکعب از طریق هرس باغ‌ها و سایر منابع تأمین می‌شود، مابقی را هم (یعنی ۱۱/۸ میلیون مترمکعب) باید از طریق زراعت چوب تأمین کرد، این موضوع را در برنامه آوردیم و پیش‌بینی کردیم، با برداشت ۳۰ هزار هکتار در سال، پس از طی دوره ده‌ساله به رقم ۳۰۰ هزار هکتار خواهیم رسید. وضعیت موجود زراعت چوب در کشور از نظر کمی و کیفی در سال ۱۳۹۸ بررسی شد، مساحت با روش‌های ماهواره‌ای برآورد و اعلام شد، وضعیت توده‌های سریای صنوبرکاری از نظر کمی و کیفی، وضعیت آبیاری و وضعیت تولید آنها مطالعه و بررسی شد. اراضی مستعد زراعت چوب در کشور شناسایی شد. همگی این موارد با هدف توسعه کمی زراعت چوب و برای کمک به سازمان‌های اجرایی انجام شد. در واقع، پراکنش سطح صنوبرکاری‌های کشور در استان‌های مختلف به‌تفکیک تعیین شد. مساحت این سطوح در ۱۹ استان، در مجموع ۳۲۰۴۹ هکتار بود. اراضی مستعد زراعت چوب در چهار حوزه (۱) حاشیه رودخانه‌های دائمی کشور، (۲) اراضی غیرجنگلی استان‌های شمالی کشور، (۳) اکالیپتوس‌کاری‌ها به‌ویژه در استان خوزستان و (۴) حاشیه کلان‌شهرها با استفاده از آب فاضلاب تعیین شد، برای ده کلان‌شهر ۷۶ هزار هکتار، برای حاشیه رودخانه‌های دائمی ۱۹۹ هزار هکتار، برای اراضی غیرجنگلی استان‌های شمالی ۶۷ هزار هکتار و برای اکالیپتوس‌کاری‌ها در استان خوزستان ۲۷۰ هزار هکتار بود. البته که این ارقام از اطلاعات موجود، به دست آمد، چراکه در برخی موارد، اطلاعاتی از اراضی مستثنیات موجود نبود، همچنین، اطلاعاتی از جاهایی که معارض داشتند، در دسترس نبود، که به‌ناچار بدون در نظر گرفتن آنها این سطح به دست آمد. از نظر بنده این مورد باز هم نیاز به انجام مطالعات اجرایی و عملیاتی دارد. در ارتباط با پتانسیل‌یابی کاشت با آب فاضلاب در حاشیه شهرها به حدود ۳۴۵۰۰



وضعیت صنوبرکاری های استان همدان

صنایع چوب و کاغذ و ضلع آخر تسهیل گرها هستند، محققان و پژوهشگران در مؤسسات تحقیقاتی، وزارت نیرو و بانکها تسهیل گر هستند. از نظر بنده ارتباط میان اضلاع اول و دوم این مثلث، یعنی تولیدکننده های چوب و صاحبان صنایع چوب و کاغذ بسیار کم است، متأسفانه امروزه، فروش چوب بیشتر توسط واسطه ها و دلالان انجام می شود، تسهیل گرها نیز به صورت جدا، تسهیلاتی را به صاحبان صنایع و تسهیلاتی را به تولیدکننده های چوب اعطا می کنند. ضروری است تعاونی های صنوبرکاری تشکیل شوند، همانند آنچه در برخی از کشورهای دیگر مثل مجارستان وجود دارد، صنوبرکاران در مجارستان، برای خود، شرکت های خصوصی دارند، این شرکت های خصوصی هستند که با صاحبان صنایع مذاکره می کنند، به طور مثال صنایع، میزان نیاز چوبی خود را به چوب، به اطلاع شرکت می رسانند، شرکت موضوع را با اعضای بهره برداران تعاونی مطرح می کند و پس از عقد قرارداد و پیش پرداخت نیار صنایع تأمین می شود. در ایران اما، متأسفانه این ارتباط وجود ندارد، بخشی از آن هم در دست واسطه ها و دلالهاست. در اینجا بنده سعی کردم به مباحثی اشاره کنم که قابل طرح در این جلسه باشد. ساختار تشکیلاتی زراعت چوب نیز به عنوان یک بخش توانمند در ستاد و استانها و تأمین منابع مالی و اعتباراتش بسیار مهم است، لطفاً این موضوع را هم در بحث امروز مدنظر قرار دهیم،

۱۴۰۲ که در واقع با اجرای طرح نهضت مردمی کاشت یک میلیارد درخت همزمان شد، بیش از بیست هزار هکتار زیرکشت رفت که البته ممکن است تا ۳۰ هزار هکتار هم باشد، بنده حداقل را در نظر گرفتم، احتمالاً بخشی از آن به دلیل طرح نهضت مردمی کاشت یک میلیارد درخت است. یکی از ابهاماتی که آقای دکتر عزیزاده نیز به درستی به آن اشاره کردند، همین است، اینکه هیچ تضمینی وجود ندارد که بعد از اتمام طرح کاشت یک میلیارد درخت، بتوانیم هر سال به آن سقف بالای بیست هزار هکتار برسیم. مساحت زراعت چوب را ببینید، این آماری است که به فائو دادیم، البته که آقای دکتر پورمقدم هم در جریان هستند، در سال ۱۳۹۸، ۳۲۵۰۰ هکتار صنوبر، ۵۱۳۲ هکتار اکالیپتوس و در مجموع ۳۷۶۳۲ هکتار زراعت چوب داشتیم، این مقدار در سال ۱۴۰۱ یعنی تا پایان آذر ۱۴۰۱، ۶۳۸۰۰ هکتار صنوبر، ۹۵۰۰ هکتار اکالیپتوس و در مجموع ۷۳۳۰۰ هکتار بوده است، اگر در سال ۱۴۰۲، مقدار خوشبینانه ۳۰ هزار هکتار محقق شود، می توانیم بگوییم ۱۰۰ هزار هکتار زراعت چوب داریم. اگر هم ۳۵-۳۰ مترمکعب در هکتار رویش داشته باشیم، سالانه می توانیم روی چیزی حدود سه میلیون مترمکعب از زراعت چوب تا سال ۱۴۰۲ حساب کنیم، که باز هم فاصله زیادی با ۳۰۰ هزار هکتار داریم. زراعت چوب مثلی است که یک ضلع آن تولیدکننده های چوب، ضلع دیگر، صاحبان

هکتار فقط در تهران اشاره می کنم، لازم است دوباره مواردی را که اطلاعات آنها در دسترس نبود (مثل اراضی که معارض داشتند یا اراضی ملی بودند) یادآور شوم، در واقع، این ۳۴۰۰۰ هکتار، با توجه به خروجی رواناب های سطحی و خروجی آب تصفیه خانه ها و نیاز آبی این گونه مناسب درختی تندرشد تعیین شده است، پیشتر بیان کردم، برای تأمین ۱۱/۸ میلیون مترمکعب چوب مصرفی سالانه از طریق زراعت چوب، باید مساحتی برابر ۳۰۰ هزار هکتار برداشت کنیم، براین اساس جدولی را در برنامه ملی زراعت چوب تنظیم کردیم، که بر مبنای آن باید هر سال ۳۰ هزار هکتار کشت کنیم تا بتوانیم بعد از طی ده سال در ۱۴۰۸، حدود ۳۰۰ هزار هکتار (۳۰۸ هزار هکتار) چوب برداشت کنیم، یعنی اگر ما بتوانیم هر سال به صورت چرخشی مقدار ۳۰ هزار هکتار را برداشت کنیم، با احتساب ۳۰ تا ۳۵ مترمکعب رویش سالانه، می توانیم به آن عدد ۱۱ میلیون مترمکعب برسیم. در سال ۱۳۹۸، مقدار ۸۳۰۰ هکتار توسعه زراعت چوب کار شده بود، که قرار بود در سال ۱۳۹۹، ۳۰ هزار هکتار کار شود، در واقعیت اما، تنها ۱۳ هزار هکتار کار شد، در سال ۱۴۰۰ باز هم قرار بود به اصطلاح ۳۰ هزار هکتار کار شود که متأسفانه باز هم محقق نشد و عددی حدود ۱۳ هزار و خرده ای کار شد، در سال ۱۴۰۱ مقدار، کمی بهبود یافت و به عددی حدود ۱۵ هزار هکتار رسید، سال



عرصه های صنوبرکاری آذربایجان شرقی

نشست به بنده و همکارانم در رفع موانع زراعت چوب کمک کند. بی صبرانه منتظر شنیدن نظرات مهمانان محترم هستم.

طبیعت ایران: پس از شنیدن توضیحات و مقدمات ارائه شده توسط آقایان دکتر علیزاده و دکتر گلاگری، بحث را با صحبت‌های صنوبرکاران نمونه پیرامون موانع، چالش‌ها و مشکلاتی که در توسعه کشت صنوبر وجود دارد، ادامه می‌دهیم. جناب آقای مولایی، جناب‌عالی از صنوبرکاران نمونه استان گیلان هستید، لطفاً نظرات خود را در مورد موضوع نشست امروز بیان کنید.

آقای مهندس سیداحمد مولایی (صنوبرکار نمونه استان گیلان)

ضمن عرض ادب و احترام خدمت حضار گرامی، از اینکه بعد از گذشت پنج سال، اولین جلسه را برگزار نمودید، سپاسگزارم. بنده سیداحمد مولایی، تولیدکننده برتر صنوبر در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ و عضو کنواسیون مجمع ملی صنوبر ایران هستم، تنها گیلانی که به این سمت برگزیده شد. پیش از شروع بحث لازم است مراتب خوشحالی خود را از حضور آقای دکتر، که مایه افتخار و مباهات هستند، همچنین آقای دکتر مدیررحمتی که عزیز و سرور ما هستند و جناب آقای دکتر پورمقدم که نور چشم ما بودند و هستند، ابراز

دیگر به‌ویژه در شمال کشور و خارج از شمال برای زراعت چوب بهره برد. نحوه حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فرایند تولید نهال برای زراعت چوب و نحوه ارائه نهال به بهره‌برداران نیز بحث مناسبی است که آقای دکتر علیزاده به‌خوبی به ابعاد مختلف آن اشاره کردند. جایگاه طرح زراعت چوب در طرح کاشت یک میلیارد درخت و ارتباط بین مجریان این دو طرح چگونه است؟ بنابر فرمایش دکتر علیزاده، این پرسش دوباره مطرح می‌شود، این ۲۵ هزار هکتاری که در سال ۱۴۰۲ کار شده است، همسو با فعالیت‌های طرح زراعت چوب است یا در قالب طرح کاشت یک میلیارد درخت؟ سهم طرح زراعت چوب چقدر است؟ آیا این‌ها با هم ارتباط دارند؟ ارتباط بین صاحبان صنایع چوب و کاغذ و تولیدکنندگان چوب به‌ویژه تضمین خرید و قیمت خرید چوب چگونه است؟ این ارتباط باید شکل بگیرد. بنده از همکاران بهره‌بردار درباره تعاونی پرس‌وجو کردم. ظاهراً تعاونی وجود ندارد.

موضوع تشکیل‌های ملی و بین‌المللی مثل کمیسیون ملی و بین‌المللی صنوبر و درختان سریع‌الرشد، که از توسعه زراعت چوب در کشور حمایت کنند، جایگاه مهمی در برنامه توسعه زراعت چوب دارد.

امیدوارم طرح موضوعاتی از این دست و ارائه راهکارهایی از سوی بزرگواران حاضر در

اینکه جایگاه کنونی این ساختار چگونه است؟ آقای دکتر پورمقدم، از نظر جناب‌عالی، به‌عنوان مجری طرح زراعت چوب کشور، این ساختار در سازمان جنگل‌هاست یا در وزارتخانه؟

آب هم، یکی از چالش‌های جدی در توسعه زراعت چوب است، تخصیص منابع آبی مناسب برای اراضی مستعد از طریق وزارت نیرو چگونه است؟ چه خوب بود اگر از دوستان ما در وزارت نیرو و آفا نیز حضور می‌داشتند، آنها هم در بحث آب و فاضلاب نظراتی دارند، اینکه ترجیح می‌دهند آب تصفیه‌شده فاضلاب را به صنعت بدهند نه به زراعت چوب، این هم یکی از مباحثی است که باید روی آن بحث کرد. بحث بعدی، تخصیص اعتبارات و تسهیلات دولتی است، بیمه محصولات و وام‌های بانکی بسیار کمی برای زراعت چوب در نظر گرفته می‌شود، در این مورد هم راه‌حل‌های خود را ارائه دهید. درباره تعاونی‌های مرتبط با زراعت چوب مطالبی را ارائه کنید، مشکلات مربوط به دلالان و واسطه‌ها در بازار چوب که چوب را ارزان می‌خرند و به صنعت تحویل می‌دهند، موضوع دیگری است که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. نهالستان‌های تحت اختیار ادارات کل منابع طبیعی استان‌ها، ظرفیت‌های مناسبی هستند که می‌توانند به‌صورت تخصصی برای سرمایه‌گذاری و تولید نهال استفاده شوند، اگرچه برخی از آنها درگیر طرح کاشت یک میلیارد درخت هستند، می‌توان از کارایی برخی



نمایم. آقای دکتر، حضرت عالی، همچنین همه اساتید برجسته‌ای که در این جمع حضور دارند، استحضار دارید که صنوبر در سال ۱۳۳۴ وارد ایران شد و از آن به بعد توسعه پیدا کرد، قطع، تبدیل و حمل این گونه در استان‌های شمالی کشور، به‌ویژه گیلان، مازندران و گلستان، از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۹۹ به‌عنوان گونه ملی آزاد بود. هر کس که صنوبر تولید می‌کرد، می‌توانست چوب

بخشنامه در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱ ابلاغ و مقرر شد، آنهایی که مستثنیات دارند، می‌توانند از باغ خودشان برداشت کنند و صنوبر بکارند. این بخشنامه موجب خوشحالی بنده، آقای بابازاده، آقای موسوی و سایر دوستان و باغداران شد. چندی نگذشت که بخشنامه جدید ابلاغ و از تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱، دوباره قطع صنوبر ممنوع و اخذ پروانه حمل اجباری شد. جناب آقای دکتر علیزاده: چه کسی این را ابلاغ کرد؟

چالش‌های موجود، موجب کاهش فزاینده کاشت صنوبر شده است. آقای دکتر، بنده بزرگ‌ترین تولیدکننده صنوبر در کشور هستم، ۷۰ هکتار صنوبرکاری دارم، بزرگ‌ترین مسئله موجود، نبود هماهنگی و همکاری بین سازمان جنگل‌ها و مراتع و بخش خصوصی است. بخش خصوصی است که باید صنوبرکاری را به همان مقدار ۳۰۰ هزار هکتاری که فرمودید، توسعه دهد. بنده هم به این آمارها دسترسی دارم، ۵/۵ میلیون مترمکعب از نیاز چوبی



آن را وارد بازار کند، بفروشد و دوباره بکار، از سال ۱۳۹۹ به بعد، شرایط عوض شد، یعنی کسانی که زراعت چوب دارند، باید اجازه قطع و پروانه حمل دریافت کنند. چه کسانی این را مصوب کرده‌اند؟ صنوبر، یک گونه ملی است، بنده به کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و ترکیه سفر کرده‌ام، طرح‌های بزرگ صنوبر در اختیار اشخاص است، در این کشورها، شرایط این چنین نیست. مکاتبات زیادی را پیرامون این موضوع انجام دادیم، نمایندگان مجلس، آقای دکتر رضوی و آقای دکتر پورمقدم بسیار زحمت کشیدند، جا دارد همین‌جا از تلاش‌های بی‌وقفه ایشان تشکر و قدردانی کنم، آقای دکتر پورمقدم همچنین، در جشنواره ملی صنوبر، که در شهرستان صومعه‌سرا استان گیلان برگزار شد، تشریف داشتند. در نهایت، آقای دکتر فرمودند، صنوبر آزاد است، موضوع از طریق

جناب آقای مولایی: سازمان جنگل‌ها و مراتع و نماینده ما آقای دکتر رمضان‌زاده. صنوبر یک گونه زراعی است. خالی از لطف نیست، آماری را در اینجا ارائه کنم. تا پنج سال گذشته، در استان گیلان ۴۶ هزار هکتار صنوبرکاری وجود داشت، از آن زمان تاکنون، متأسفانه مقدار آن به ۲۷۲۳۰ هکتار کاهش پیدا کرده است. بخش ضیابر در شهرستان صومعه‌سرا ۷۸۴۰ هکتار صنوبرکاری در بخش خصوصی داشت و ۲۵ درصد چوب موردنیاز کشور را تأمین می‌کرد، این مقدار هم‌اکنون به ۴۷۰۰ هکتار کاهش یافته است، چرا؟ چرا به صنوبرکاری که باغش مستثنیات است، مجوز نمی‌دهند؟ این باغ ۶۳ سال است که نسق دارد، چرا حق قطع درختان باغش را به او نمی‌دهند؟ چرا صنوبرکار را با هزاران گرفتاری روبه‌رو می‌کنند؟ مشکلات این‌چنینی و سایر

کشور، که از تولیدات داخلی تأمین می‌شود، در اختیار کارخانجات مواد سلولزی، تئوپان، فیبر، کاغذسازی، پالت‌سازی و ام‌دی‌اف (MDF) قرار می‌گیرد، این‌ها ۵/۵ میلیون مترمکعب، از ۱۲ میلیون مترمکعب، مجموع نیاز چوبی کشور است، مابقی باید وارد شود. واردات چوب، بی‌شک به ضرر کشور، به ضرر اقتصاد و به ضرر محیط‌زیست است، چوب‌هایی را که در سال ۱۳۸۷ از شوروی وارد کشور شد، خاطرتان هست؟ که چه بلایی بر سر جنگل‌های ما آورد. با توجه به همه این موارد، امروز یک صنوبرکار برای دریافت تسهیلات جهت توسعه صنوبرکاری اقدام می‌کند. من تولیدکننده چوب، می‌دانم که امروز، چوب کیلویی هشت، نه، در نهایت ده تومان است. وقتی صنوبرکار برای دریافت تسهیلات به بانک مراجعه می‌کند، تسهیلات کافی نمی‌دهند، ۱۰ یا ۱۵ میلیون



برای صنوبرکار فایده‌ای ندارد، او باید برای تهیه یک اصله نهال صنوبر، ۲۵ تومان هزینه کند، آن را بکارد، فرایند کاشت، داشت و برداشت را انجام دهد، در این میان کود و سم تهیه کند و بعد از گذشت پنج تا هفت سال آن را بفروشد. البته بنده نهال‌هایی را از ترکیه آوردم که سه‌ساله به بهره‌برداری می‌رسد، همین پوپولوس‌هایی که آقای دکتر به آنها اشاره کردند، بنده ۳۵۰ هزار اصله نهال تولید می‌کنم، شاید در ۲۰ هزار اصله کود رایگان به نهال‌ها می‌دهم، هدف ما صنوبرکاران، رسیدن به رتبه‌های بالا در کشت و توسعه صنوبر است، ما باید کشور را در تأمین چوب بی‌نیاز کنیم، علاوه بر این، همان‌طور که همه می‌دانیم، در هر هکتار، ۲/۵ تن اکسیژن تولید می‌شود که نیاز ۱۰ نفر را تأمین می‌کند. توسعه صنوبرکاری، سهم بسزایی در تولید اکسیژن و تلطیف هوا دارد. صنوبرکاری‌ها پشتیبان جنگل‌های هیرکانی هستند. چرا صنوبرکاری در گیلان توسعه پیدا کرد؟ زمانی که چوب و کاغذ گیلان، چوکا آمد، طرح‌هایی در طیف وسیع صنوبرکاری ایجاد شد، همین مسئله موجب شد، شهرستان صومعه‌سرا رتبه اول را تولید چوب در کشور داشته باشد. بخش ضیابر، بخش وسیعی از صنوبرکاری است. از نظر بنده، مسئله‌ای که باید به‌شدت پیگیری شود، آزاد کردن این گونه ملی است، صنوبر باید به‌صورت آزاد، کشت، قطع، تبدیل و حمل شود. به این ترتیب، صنوبرکار تشویق می‌شود و انگیزه می‌گیرد، اگر این چنین باشد، اصلاً نیازی به تبلیغات برای ترغیب کشاورزان برای کشت این گونه نیست. بنده این مشکل را از زبان بیش از ۵۰۰ زارع مطرح کردم. موضوع مهم بعدی، زمین‌هایی هستند که ۴۰ تا ۴۵ سال در دست اشخاص بوده‌اند، اگر تکلیف این اراضی روشن شود، همین‌جا قول می‌دهم، طی ۴ تا ۵ سال آینده به هدف طرح کاشت یک میلیارد درخت خواهیم رسید، در غیر این صورت شاهد کاهش شدید صنوبرکاری‌ها خواهیم بود. در پایان، دوباره از دست‌اندرکاران برگزار این نشست سپاسگزارم.

طبیعت ایران: خوشبختانه در این جلسه آقای دکتر پورمقدم حضور دارند و به مشکلات و مسائلی که جناب‌عالی به آنها اشاره کردید،

از جمله مشکل مجوز بهره‌برداری، یارانه، تسهیلات و غیره پاسخ خواهند داد. لطفاً سایر صنوبرکاران حاضر در این نشست، اگر مسائل



و موانع دیگری دارند که توسط آقای مولایی مطرح نشد، بیان بفرمایند. جناب آقای احمد بابازاده (صنوبرکار نمونه استان گیلان)

جناب آقای دکتر علیزاده، این لباس مشکی و این سینی خرما، نمایانگر سوگواری صنوبرکاران کشور اعم از کشاورز و بهره‌بردار است، اگر چه هنوز هم امیدواریم که می‌توانیم ادامه دهیم. بنده هم از بانیان تشکیل این نشست به‌ویژه سرکار خانم دکتر احمدلو، بی‌نهایت تشکر و قدردانی می‌کنم. آقای دکتر، جناب‌عالی ۱۳۴۲/۱۰/۲۷ به استان گیلان تشریف آوردید، دوستانی که با جمع هفت نفری آمده بودند، کشاورزی که جانباز بود و یک دستش را در جنگ از دست داده بود، خاوه‌ری که ۷۰ هکتار زراعت صنوبر را در کنار کار کشاورزی اداره می‌کرد. با خواهش آنها، شما را به همراه خانواده به داخل روستا دعوت کردیم تا واقعیت‌های زراعت صنوبر را ببینید. همچنان که تقسیم‌بندی‌هایی در ساختار اداری وجود دارد، کشاورزان هم دسته‌بندی‌هایی دارند از جمله کشاورزان فتودالیسم، کشاورزان سرمایه‌داری، کشاورزان دهقانی و کشاورزان

کارمندی. ما از سال ۱۳۸۲ و با کمک یکی از رؤسای جهاد، که بسیار متعهد بودند و نیز با همراهی سرچنگل‌داری، که روحیه بسیار مردمی داشتند، در روستایی به نام بهمبر، که زادگاه و زیستگاه من است، آموزش‌های پیش از تولید را به اهالی ارائه دادیم. ۴۲ نفر در آن روستا آموزش دیدند، در بخش ضیابر ۷۶ نفر و در طولم‌شهر ۱۲۷ نفر آموزش دیدند، همه رویدادها را ثبت و ضبط کردم، همان‌طور که تشریف‌فرمایی شما را در جلسه دوم صنوبر ثبت کرده‌ام، عزیزان من، همه می‌دانیم که کشت صنوبر اصلاحی است، اسرائیلی نیست، همچنان که گاو نیست، مرغ نیست، اردک نیست. این آموزش‌ها را از یک معلم مهندس جنگلبانی دریافت کردیم، سپس فاصله میان میز و مزرعه را کم کردیم و این‌جنین شد که مروج افتخاری شدم، البته که همچنان شاگرد کشاورزم. این طومار که می‌بینید، برای حضرت آیت‌الله فلاحتی نماینده ولی‌فقیه استان گیلان است. از صحبت‌های آقای مولایی بسیار ممنونم، حرف‌های ایشان کمی از دردهای من کاست و عقده‌های درونی‌ام را کم کرد. این طومار درخواست ایجاد چند تشکل است، فرایند راه‌اندازی تشکل زراعت چوب را در استان گیلان آغاز کردیم، تشکل‌ها باید مثل اهرم باشند، از قول بزرگی عرض می‌کنم، اهرمی به اندازه کافی بلند به من بدهید، جهان را به‌تنهایی تکان خواهم داد. متأسفانه ما اهرم نداریم، چرا بنده در این نشست، پر از انرژی و حتی بدون میکروفن صحبت می‌کنم، من اصلاحاتی هستم، یک کشاورز باید اصلاحاتی باشد. من باغ را اصلاح می‌کنم، همچنان که خودم را اصلاح می‌کنم. هر شب روزمرگی‌های اجتماعی‌ام را می‌نویسم، در شورا هم که هستم، می‌نویسم. سال گذشته، کل صنوبر ما را بستند. آقای جوشن، فرماندار، از دوستان من هستند. به همراه دوستان و آقای مولایی فریاد سر دادیم، تماس گرفتیم، مراجعه کردیم، چرا ۱۷ روز صنوبر را بستید. آقای فردین رنجکش، باغ آقای تراب‌عزیزی را با مساحت ۱۲۰۰۰ مترمربع، یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون



نمایی از باغ صنوبر کلن مارکوئینی صنوبرکار آقای بابازاده در استان گیلان

صنوبر را تعطیل می‌کنند، چرا؟ پلیس جاده، گردشگر و غیره. بنده هیئت‌مدیره شرکت دامداران هستم، نهاده‌هایم را می‌آورم، با دوستان در تعاونی هستم. چرا چوب صنوبر را از زراعت خارج کردید؟ که اگر هنوز هم زراعت بود، شرایطش همچون محصولات زراعی مثل سبزی، باقالی، برنج و ... بود. دوباره می‌پرسم، چرا صنوبر را از زراعت خارج کردید؟ آقای دکتر، وقتی تشریف آوردید، فرمودید، کاشت یک میلیارد درخت، سهم ایران در چهار سال است، سیصد و بیست میلیون نهال سهم گیلان در چهار سال و هشت میلیون نهال سهم گیلان در یک سال است. آن روز، آقای صالح محمدی، رئیس جهاد از من قول گرفت، بنده هم قول دادم، کشاورزان دهقانی را برایتان تأمین کنم. هم‌اکنون، بستر و همه‌چیز آماده است. حتماً رژه نظامی را دیده‌اید، بنده در سال ۱۳۶۱، خدمت سربازی کردم، یک بار می‌گویند، طبل بزرگ زیر پای چپ، یک بار طبال برعکس می‌زند، ولی سربازها همچنان زیر پای چپ می‌زنند. ما و کشاورزها باوجود همه کم‌کاری‌ها، همچنان طبل بزرگ را زیر پای چپان می‌زنیم. برخی می‌گویند: راست باید گفت، جز راست نباید گفت، هر جا نباید گفت. بنده شرعی‌ام و شری

در زمین غصبی، الزرع للزارع و لو كان غاصباً. بنده فرزند یازدهم از یک خانواده ۱۴ نفری هستم که همه یا کارمند دولتی هستند یا بازاری، افتخار می‌کنم به اینکه با همه سختی‌ها همچنان در روستا مانده‌ام، باور کنید که ۱۱ تا کارگر می‌افتادند و بلند می‌شدند. به یکی از دوست‌هایم گفتم چرا فیلم نگرفتی؟ اگر فیلمش بود، امروز می‌آوردم. یک لحظه جنگلبان‌ها آمدند، جنگلبان‌ها که باید حافظ جنگل باشند، اصلاً ما جنگلی هستیم، اصلاً تر ما اینکه صنوبر پیش‌مرگ جنگل است. ما نیامدیم مثل سازمان‌های تبلیغاتی عمل کنیم، ما گفتیم صنوبر بکارید. آقای دکتر، شما خانمی را دیدید، که همسر یک جانباز کشاورز بود و به همراه جوانش ۷۰ هکتار زمین داشت. کیکی را که خوردیم با کدوهای رشدیافته در کشت تلفیقی با صنوبر، درست کرده بود. خانمی تعریف می‌کرد: ۵ تا صنوبر ۶ ساله داشتم، دخترم نیاز به عمل جراحی داشت، ۶ روز رفتم جنگلبانی، نتوانستم با وجود بروکراسی‌های اداری کاری انجام دهم، گوشواره‌هایم را فروختم تا دخترم جراحی شود. به ولای علی، به این شیرین‌کام از این موارد به کرات دیدیم. صنوبر، زراعت است، باید به زراعت برگردد. از ۱۵ اسفند

خریده است و می‌خواهد با ۲ دستگاه اره موتوری درختان را قطع و غروب حمل کند. استحصال ممنوع، حمل ممنوع، مجوز ممنوع. حتی اگر بخواهیم به اسرائیل حمله کنیم، پیش از حمله، اعلام می‌کنیم، به کشاورز اما، اعلام نکردیم. همان روز آقای مولایی، سه کامیون بارگیری کرده بود، که به‌ناچار باید آن را خالی و از نو هزینه کند. جلسه گذاشتند، سه نفر از عزیزان و استادان بنده هستند و من مروج افتخاری آنها هستم. پوزش می‌خواهم که حقیقت را کتمان نمی‌کنم، چراکه کتمان حقیقت، همانا کافری است. ۵ نفر در یک ردیف نشستند، ما هم در یک ردیف نشستیم. پرسیدیم، چرا صنوبر را بستید؟ پاسخ دادند: از حراست استان آمدند، چوب‌های شما را دزدیدند یا چوب‌های ما را؟ گفتم: داروغه دزد است به ما چه؟ چوب‌های ما را نمی‌دزدیدند، شما داروغه را بگیرید. هر کس در مقابل فرمان مقام معظم رهبری، یعنی رفع موانع تولید بایستد، ضداقلاب است. جلسه شورای اداری بود، یکی از آنها مرا به آرامش دعوت کرد. گفتم: ببخشید آقای فرماندار، اصلاح می‌کنم این‌ها نفوذی هستند، امسال، سال رفع موانع تولید است. زراعت، آموزه دین است، زراعت از آن زارع است، حتی



و صنوبرکاری ارائه فرمایید. در صورت امکان، راه‌حل‌های خود را نیز مطرح نمایید. آقای دکتر کامران پورمقدم (مشاور وزیر جهاد کشاورزی و مجری طرح ملی زراعت چوب)

ضمن عرض سلام و صبح بخیر خدمت همه عزیزان حاضر در جلسه، از همه دست‌اندرکاران برگزاری این نشست قدردانی می‌کنم. پیرامون بررسی چالش‌های توسعه زراعت چوب و صنوبرکاری، صحبت‌های زیادی شد. تا همین جای جلسه ابهامات زیادی مطرح شد، از وضعیت ساختاری و تشکیلاتی این طرح بگیرد تا ارتباطش با طرح‌های مختلف سازمان جنگل‌ها، موضوع فعالیت بخش خصوصی و مشکلات کشت و برداشت صنوبر. بنده از همین نکته آخر، که دوستان به آن اشاره کردند، شروع می‌کنم، یعنی تولیدکنندگان عزیزمان، که بیشترین سهم را در توسعه زراعت چوب در کشور دارند، به‌خصوص صنوبرکاری‌هایی که در استان گیلان قرار دارند و موضوعاتی که با آن در ارتباط هستند. از سنوات گذشته و در قالب طرح‌های جنگل‌داری، که در استان گیلان اجرا می‌شد، بخشی از عرصه‌های ملی به کشت صنوبر اختصاص پیدا کرد، همان‌طور که دوستان می‌دانند، شرکت‌هایی که در محدوده طرح‌های جنگل‌داری قدیم فعالیت می‌کردند، بخشی از این عرصه‌ها را

نیستیم، هنگامی که دعوت شدم، از سرکار خانم دکتر احمدلو قول گرفتم تا بتوانم همه چیز را به‌روشنی ارائه کنم. صنوبر، فرزند ماست، ما با صنوبر زندگی کرده‌ایم، ما در کنار شالیزارهایمان صنوبر داریم. می‌توانید تشریف بیاورید و ببینید، صنوبر فرزند ماست، آیا می‌توان فرزند را به اسیری گرفت. شما به نقشه سال ۱۳۴۸ استناد می‌کنید، بنده در آن سال، هفت‌ساله بودم، زمان گذشت، ما تاج را برداشتیم، شیر را برداشتیم، خورشید را برداشتیم. ما سپاه دانش را برداشتیم، با هیچ‌یک مشکلی نداشتیم، چرا هنوز به نقشه سال ۱۳۴۸ استناد می‌کنید؟ شما چه می‌کنید؟ از یک سو می‌گویید بدوش، از سوی دیگر اجازه نمی‌دهید. صنوبر را به اسارت می‌گیرید، بعد آن را آزاد می‌کنید، دوباره می‌گیرید، چرا؟

هم‌اکنون در بخش ضیابار، بیش از ۳۸ کارگاه پالت‌سازی داریم، تقریباً ۹۴ ایستگاه خریدوفروش داریم، درست است ما فقط برای رضای خدا صنوبر نمی‌کاریم که اکسیژن تولید کند، ما برای معیشت، صنوبر تولید می‌کنیم. دو روز گذشته، ۵ نفر از پیمانکاران به بنده گفتند: آقای بابازاده ما از فردا نمی‌آییم. آقای فلانی پیغام داده است، زمین برادرت را می‌گیرند. گفتیم: این زمین از آن حضرت آقای آیت‌الله ضیابری است، به میزان ۱۵ هکتار نسق زارعه دارد، گفتند: می‌گیرند. به بنده توصیه کردند: همه چیز را به‌روشنی نگویم، اگر گفتیم هم، احتیاط کنم. اما، متأسفانه بنده نمی‌توانم تقیه کنم، خرده بر حرف درشت من آزرده مگیر، حرف آزرده درشتانه بود، خرده مگیر. در پایان برای سلامتی و آزادی صنوبر و بازگشت به زراعت صلوات بفرستید.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر پورمقدم، جناب‌عالی به‌عنوان مجری طرح کاشت صنوبر صحبت‌های مقدماتی آقایان دکتر علیزاده، دکتر کلاگری، همچنین صنوبرکاران نمونه استان‌های گیلان و مازندران را شنیدید. لطفاً مطالب خود را در پاسخ به مشکلات و مسائل مطرح‌شده و درخصوص چالش‌های موجود در توسعه زراعت چوب

به‌خصوص در جلگه به کاشت صنوبر اختصاص دادند و آنها را با عنوان زراعت چوب مطرح کردند با هدف اینکه از برداشت‌های بخش‌های کوهستانی جنگل‌ها کاسته شود و بهره‌برداری‌ها بیشتر از چوب‌های صنوبر انجام شود. متأسفانه، برنامه‌ریزی درست اجرا نشد، باوجود اینکه کشت انجام شد، در مرحله بهره‌برداری، چوب‌ها همین‌طور باقی ماندند و بخش زیادی از آنها به دیرزیستی رسیدند و از داخل شروع به پوسیدگی کردند، درنهایت، در سال‌های ۹۸ و ۹۹ تصمیم گرفتند، بخشی را برداشت کنند و عرصه به محدوده طرح‌های زراعت چوب منتقل و دوباره به بخش خصوصی واگذار شود، درواقع اعمال مالکیت شود و براساس ماده ۳ اجاره داده و کار زراعت چوب انجام شود. در آن زمان دستورالعملی برای بهره‌برداری از این چوب‌ها تهیه شد. این چوب‌ها دولتی محسوب می‌شدند و در محدوده‌ای با مساحت ۷-۸ هزار هکتار کاشته شده بودند. تهیه این دستورالعمل درنهایت منجر به ابلاغ بخشنامه‌ای شد که دریافت مجوز را برای بهره‌برداری و حمل‌انباری کرد. دلیل اصلی، همان بود که عرض کردم، این چوب‌ها، دولتی بودند و برای کنترل خروج آنها نیاز به مجوز بود، بعد از آن اما، با بررسی‌هایی که انجام شد و به‌دلیل همین مشکلات و نیز درگیری‌های موجود میان بخش خصوصی که در مستثنیات کار می‌کردند، همچنین، چوب‌هایی که در اراضی دولتی بودند و چوب‌های دولتی محسوب می‌شدند، این دستورالعمل‌ها دستخوش تغییراتی شدند و قوانین کمی تسهیل و به بهره‌برداری از اراضی مستثنیات محدود شد. جناب آقای مولایی، دلیل مشکل ایجادشده درواقع، این بود، البته که بنده در همان همایشی که به آن اشاره کردید، خدمت جناب‌عالی، نماینده محترم مجلس، جناب آقای دکتر رضانی و سایر دوستان عرض کردم و قول دادم موضوع را پیگیری کنم. از دیدگاه بنده و دوستانی که به کشت صنوبر می‌پردازند، صنوبر مانند سایر محصولات زراعی است، یعنی هیچ



تفاوت با محصولات زراعی ندارد، زراعتی که محصولش به جای ذرت و گندم و جو، چوب است و تمام فرایند زراعی، که برای سایر محصولات انجام می‌شود، باید برای آن هم انجام شود یعنی شخم، کود، سم و اقدامات به‌زراعی و هر کاری که شما در زراعت چوب و صنوبرکاری انجام می‌دهید. به‌همین دلیل، ماهیت زراعت چوب با ماهیت جنگل‌کاری که توسط سازمان منابع طبیعی و دولت در حال انجام است، تفاوت دارد. در اقدامات مربوط به جنگل‌کاری، نیازی به سم، کود و هرس نیست، درواقع هدف، ایجاد پوشش گیاهی برای جنگلی است که تخریب شده یا توسعه فضای سبز است، ماهیت فعالیتی که در جنگل‌کاری انجام می‌شود و همین‌طور اهدافی که دنبال می‌شود، با زراعت چوب متفاوت است. حال، زراعت چوب را در قالب وظایف سازمان جنگل‌ها گنجانده‌اند و این سازمان در حال پیگیری امور مربوط به آن است، چراکه درواقع، اثرهای آن به حفظ جنگل کمک می‌کند. به‌هرحال، هر چه چوب بیشتری در قالب زراعت چوب تولید شود، فشار به رویشگاه‌های جنگلی و قاجاق چوب کاهش می‌یابد، دوباره تأکید می‌کنم، زراعت چوب از نظر ماهیت یک پروژه زراعی و یک عملیات زراعی است و کاملاً باید در قالب یک مدیریت زراعی، مدیریت شود. خودم هم معتقدم، فرایندهای مربوط به فعالیت‌های بخش خصوصی و مشارکت مردمی در کشت صنوبر در شمال و کشت اکالیپتوس در جنوب، حتی‌الامکان باید تسهیل شود، به‌شدت هم آن را پیگیری می‌کنم، ولی متأسفانه تغییرات در تصمیم‌گیری‌های سازمان منابع طبیعی در فواصل کوتاهی انجام و بخشنامه‌ها ابلاغ می‌شوند به‌طوری‌که، زمانی صنوبر را آزاد می‌کنند، صنوبرکار و زارع با استناد به آن بخشنامه فعالیت خود را آغاز می‌کنند، در مدت زمان خیلی کوتاهی، بخشنامه عوض می‌شود، حتی اگر بخشنامه صادرشده به ضرر صنوبرکار باشد ولی حداقل ثابت باشد، بازهم صنوبرکار و زارع خودش را با این بخشنامه

تطبیق می‌دهد، مثلاً اگر مقرر شده است، صنوبرکار برای حمل مجوز بگیرد، برنامه‌ریزی زمانی، فروش محصولات و کشت و کارش را به‌نوعی طراحی می‌کند که کمتر متضرر شود، به‌قول شما، به‌طور ناگهانی، بخشنامه صادر می‌شود، طوری‌که من صنوبرکار مجبور می‌شوم کل محصول برداشت‌شده خود را از داخل کامیون تخلیه کنم. آقای دکتر متأسفانه این مشکل به‌شدت وجود دارد و باید حل شود. دوباره عرض می‌کنم، از نظر بنده، زراعت چوب، از لحاظ ماهیتی یک عملیات زراعی است، اما به‌دلیل اثرهایی که به رویشگاه‌های جنگلی برمی‌گردد، هم‌اینک در قالب شرح وظایف سازمان منابع طبیعی گنجانده شده است، هرچند زراعت چوب در اراضی ملی، دولتی و مستثنیات انجام می‌شود. نکته جالب اینکه با توجه به آمار بیست ساله و سی ساله، بیش از ۷۰ درصد از سطوح عملکردی زراعت چوب در اراضی مستثنیات است و کمتر از ۳۰ درصد از آن در اراضی ملی قرار دارد، با این حال، بازهم از طریق سازمان منابع طبیعی مدیریت می‌شود که وظیفه اصلی‌اش حفاظت از عرصه‌های ملی و انفال است، جناب آقایان مولایی و بابازاده، در این مورد کاملاً حق با شماست، آقای دکتر عزیزانه از نظر بنده هم این مشکلی است که باید به‌صورت اساسی حل شود. اگر سازمان منابع طبیعی نگران است که مثلاً در بهره‌برداری از عرصه‌های مستثنیات، درختان جنگلی مانند مرمرز حذف شوند، بی‌شک این نگرانی قابل مکت است، اما صنوبر درخت کاملاً شناخته‌شده‌ای است، احتمال تداخل با چوب‌های جنگلی در صنوبرکاری‌ها بسیار کم است. ضروری است، یک سیاست واحد اعمال شود، دیگر نگرانی‌های قبلی سازمان منابع طبیعی نیز، برای دست‌درازی به چوب‌های دولتی وجود ندارد، بخش خصوصی در حال کار در این عرصه‌هاست، پس دیگر جای نگرانی نیست، احتمال وقوع تداخل بسیار پایین است، چراکه چوب صنوبر نسبت به چوب‌های جنگلی و درختان جنگلی کاملاً قابل تشخیص است. از این نظر، امیدوارم مسئولان در سازمان منابع طبیعی

موضوع را دوباره بررسی نمایند. تأکید بر نگاه زراعی بر صنوبرکاری، به‌دلیل مشکلات زارعین به‌ویژه در بخش خصوصی است، همان مشکلاتی که دوستان به‌خوبی به آنها اشاره کردند، مشکلاتی که در نهایت به کاهش سطوح صنوبرکاری منجر می‌شود. موضوع بعد که تمایل دارم به آن اشاره کنم، رابطه طرح کاشت یک میلیارد درخت و طرح زراعت چوب و نیز جایگاه و ساختار تشکیلاتی آنهاست. از پایان سال ۱۴۰۰ و ابتدای سال ۱۴۰۱ و حتی انتهای سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ برنامه‌ریزی اولیه‌ای در این طرح اتفاق افتاد که بنده نیز حضور داشتم، درواقع بنده یکی از دست‌اندرکاران شروع این طرح بودم. آنچه در ابتدای اجرای این طرح و برنامه‌ریزی آن ملاک بود و بسیار بر آن تأکید می‌شد، حتی جناب‌عالی نیز بر آن اصرار داشتید و بارها در شورای معاونین وزارتخانه و جلسات ستاد وزارتخانه به آن اشاره می‌شد، این بود که اگر قرار باشد این طرح براساس اعتبارات دولتی انجام شود، انجام‌نشدن آن بهتر است، بارها و بارها گفته شد، این طرح، یک طرح مردمی است، بنابراین باید با مشارکت مردم انجام شود، درواقع، این سیاست اصلی طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت بود که از ابتدا شکل گرفت. بنا بود براساس مطالعات و اصول فنی، انتخاب عرصه، انتخاب گونه، کاشت و برداشت و نگهداری، همه در قالب این طرح تجلی پیدا کند، ولی متأسفانه هرچه جلوتر رفتیم، نه اعتباری به این طرح دادند و نه سازمان منابع طبیعی به سیاست‌های جلب مشارکت مردمی توجه کرد، این سازمان بیشتر تعهدات خود را به گردن گرفت. درواقع، خودش پیمانکار آورد و خودش نهال کاشت، شاید کمتر از ۱۰-۲۰ درصد از عرصه‌های درخت‌کاری‌شده در قالب یک سری تفاهم‌نامه و درواقع مشارکت بعضی از دستگاه‌ها باشد. هم‌اکنون نیز ادامه اجرای این طرح با مشکلات زیادی روبه‌روست و اگر قرار باشد با همین سیاست فعلی پیگیری شود، مشکلات ادامه خواهند داشت. قرار بود، دستگاه‌های مختلف مثل شهرداری‌ها، وزارت راه و نیروهای مسلح از عرصه‌ها،

امکانات و ظرفیت‌های خود در اجرای این طرح استفاده کنند که متأسفانه هیچکدام محقق نشد، بیشترین کمک از سوی طرح زراعت چوب بود. به آمار ارائه‌شده در پایان سال ۱۴۰۲ توجه کنید، بخش عمده درختانی که کاشته شدند، در قالب طرح زراعت چوب بوده است، چرا؟ چون در واقع، این طرح، یک طرح مردمی بوده است، در این طرح، مردم بودند که زراعت چوب را انجام دادند نه دولت. موضوع بعدی اینکه، ارتباط طرح کاشت یک میلیارد درخت و طرح زراعت چوب چیست؟ و چرا هر کدام مجری مستقل دارند؟ آقای دکتر، توجه بفرمایید، طرح کاشت یک میلیارد درخت یک طرح جامع و چتر است، چطور است که شهرداریها و دهیاری‌ها در قالب این طرح، از میزان کاشت درخت، آمار و اطلاعات و گزارش عملکرد ارائه می‌دهند و این‌ها هیچ تناقضی با مجری طرح یک میلیارد ندارند ولی با زراعت چوب تناقض دارند. این یک موضوع انحرافی بود که متأسفانه در سازمان منابع طبیعی مطرح شد، زمانی که مدیریت و هدایت طرح زراعت چوب از سازمان منابع طبیعی منتزع و جدا شد و در وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفت، بیشتر مسائل مطرح‌شده، به‌خاطر مخالفت با این انتزاع و جدایی بود، هرچند ممکن است در دوره و دولت جدید، سیاستهای وزیر محترم در رابطه با بحث زراعت چوب متفاوت باشد، ولی علت این که آن زمان تناقض داشت همین بود، یعنی مخالفت داشتند که این منتج‌شده از سازمان منابع طبیعی است، در صورتی که اگر واقعاً سازمان منابع طبیعی تمایل داشت، از این ظرفیت استفاده کند، ظرفیت‌های زراعت چوب سازمان‌های جهاد کشاورزی را فعال کرده بودیم. در سنوات گذشته اصلاً سازمان جهاد کشاورزی در استان‌ها حضور نداشت، در طرح زراعت چوب فقط منابع طبیعی بود، یا خودش نهال را تولید و توزیع می‌کرد یا در قالب یک طرح ملی، عرصه مختصری را پیدا میکرد و برای زراعت چوب ماده سه می‌داد. ما تمام سازمان‌های جهاد کشاورزی را در استان‌ها فعال کرده بودیم تا بتوانیم از ظرفیت‌ها و تسهیلاتشان استفاده کنیم.

نهاده‌هایی مثل کود و سم و امکاناتی که برای سایر محصولات داده می‌شد و به زراعت چوب تعلق نمی‌گرفت، همه این‌ها را فعال کرده بودیم، ظرفیت‌های موجود در بخش ترویج و مشارکت و بحث‌های تحقیقاتی را شناسایی و فعال کرده بودیم، آقای مهندس پالوج کاملاً در جریان هستند، اما متأسفانه باوجود همه برنامه‌ریزی‌ها، سازمان منابع طبیعی نه تنها تمایلی به استفاده از این ظرفیت‌ها نداشت، موانع بسیاری هم در مسیر اجرای این طرح در یک سال گذشته ایجاد کرد، این سازمان می‌توانست از این ظرفیت‌ها به نفع خود و به نفع طرح استفاده کند، مجری محترم طرح یک میلیارد درخت اگر می‌خواست عملکردش را توسعه دهد، باید ارتباط تنگاتنگ و نزدیکتری را با مجری طرح زراعت چوب برقرار میکرد، همانطور که با دهیاری‌ها، شهرداری‌ها و نیروهای مسلح ارتباط می‌گرفتند. در واقع، همه بخشها در حال فعالیت بودند و آمار عملکردشان در طرح یک میلیارد درخت ارائه می‌شد. از نظر بنده هیچ تناقض و منافاتی میان این دو طرح وجود نداشت، کم‌اینکه مشاهده کردیم، بخش عمده آمار و عملکرد طرح یک میلیارد درخت در قالب زراعت چوب تجلی پیدا کرد. بنده سعی کردم، ابهامات کلی مطرح‌شده را برطرف کنم، در ادامه جلسه نیز در خدمت شما خواهم بود.

طبیعت ایران: آقای دکتر پورمقدم، با توجه به صحبت‌های جناب‌عالی، ظاهراً بین شما، به‌عنوان مجری طرح زراعت چوب و سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، همچنین مجری طرح کاشت یک میلیارد درخت ناهماهنگی‌هایی وجود دارد، همین موضوع، صنوبرکاران را با مشکل روبه‌رو کرده و یکی از موانع توسعه زراعت چوب است. در این خصوص باید تصمیم جدی گرفت و این مشکل را هرچه زودتر برطرف نمود، باید وظایف افراد و دستگاه‌ها را به‌خوبی تبیین کرد تا کشاورزان با مشکل مواجه نشوند. آقای دکتر علیزاده، جناب‌عالی در این خصوص چه نظری دارید؟

آقای دکتر علیزاده  
براساس فرمایش آقای دکتر پورمقدم متوجه شدیم، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، از انتصاب فردی به‌عنوان مجری طرح زراعت چوب استقبال نکردند، به همین دلیل هرکدام مسیر خود را در پیش گرفتند. البته که نه وظیفه و نه تخصص و نه مدیریت ما، اجازه نمی‌دهد در آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، وارد شویم. به‌رحال در آن زمان تصمیمی گرفته شده است، حال پخته بوده یا نبوده، درست بوده یا نبوده، مواردی نیست که در این جلسه یا هر نشست دیگری مطرح شود. اما از بعضی موارد نمی‌توان چشم‌پوشی کرد، اینکه فردی از طرف عالی‌ترین مقام وزارتخانه به‌عنوان مجری طرح صنوبر یا زراعت چوب منصوب می‌شود، یعنی عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده در آن موضوع است، که زیر نظر مستقیم وزیر فعالیت می‌کند، مثل مجری طرح گندم که آقای اسکندری بودند و بعدها خودشان وزیر شدند و چون از وزیر قبلی حکم داشتند، به‌عنوان مجری طرح گندم همه مسئولیت‌های مربوط به تولید گندم به عهده مجری طرح گندم بود، به‌طور مستقل و زیر نظر وزیر و البته برای اینکه خیلی از کارها تسهیل شود با معاون مربوطه هم هماهنگ می‌کردند و معاون مربوطه خیلی جاها خودشان را با مجری طرح هماهنگ می‌کردند. انتظار زیرمجموعه از جمله ما و مردم این است، وقتی یک نفر به‌عنوان مجری طرح صنوبر برگزیده می‌شود، یعنی مسئول همه اتفاقات خوب و همینطور همه اتفاقات ناگوار است، پس اگر زمانی مجوز برداشت داده شود و بعد از یک مقطع زمانی کوتاه، آن حکم لغو شود، این‌ها همه، از چشم مجری طرح دیده می‌شود. مجری طرح با داشتن حکم مسئولیت از وزیر، توانایی اعمال نظر را حتی به تصمیم‌های سازمان منابع طبیعی دارد، باید سیاست‌هایش را تحمیل کند، حال به سازمان منابع طبیعی، وزارتخانه یا هر سازمان دیگری که لازم باشد، چون عالی‌ترین مقام از نظر ما مجری طرح است، به همین دلیل است که طرح یک میلیارد درخت یک مجری دارد و طرح صنوبر هم یک مجری دارد، که همانطور که فرمودید، طرح یک میلیارد درخت، چتر پوششی وسیع‌تری هم دارد، البته



به‌هر حال تکلیف روشن است، زیر نظر معاونت باغبانی است، یک مجری دارد که حکم گرفته است و امور را به پیش می‌برد. انتظار داریم در موضوع صنوبر هم، این‌طور عمل شود، نه اینکه ما نظر بدهیم، این یک موضوع زراعی است یا منابع طبیعی، باید مشخص شود، اما نه طبق نظر ما. به‌هر حال ما انتظار داریم، آقای دکتر پورمقدم پیام این جلسه را به وزیر محترم برسانند تا تکلیف این موضوع هرچه زودتر روشن شود. فرد پاسخگو باید مشخص باشد، از آنجایی که زراعت چوب در کشور، سیر صعودی خوبی به خود گرفته و به‌زودی به یک سامانه منظم و پویا تبدیل خواهد شد، افراد با انگیزه به این حوزه وارد شده‌اند و به‌خوبی در حال پیشروی در آن هستند، باید بدانند، چه کسی پاسخگوی ایشان است، آقای احمدی، آقای نوبخت یا آقای پورمقدم. مشکلاتشان را باید با کدام یک از این افراد در میان بگذارند که هم مسئولیت‌پذیر باشد و هم برای حل مشکلاتشان، اختیار کافی داشته باشد.

یک مجری مستقل اجرا شود، توقع این است که آن مجری اختیار تام داشته باشد، مسئولیت همه کارها را بپذیرد و همه انتقادات به سوی او باشد، از او هم پاسخگویی بخواهند، اگر نه، باید همه چیز روشن شود، اگر در قالب زراعت است، معاون زراعت و اگر در قالب سازمان منابع طبیعی است، سازمان منابع طبیعی باید پاسخگو باشد، یعنی تکلیف باید روشن شود، این موضوع مشکلی است که باید حل شود. برای نمونه به گیاهان دارویی اشاره می‌کنم، خاستگاه اصلی گیاهان دارویی منابع طبیعی بود، علت توسعه این گیاهان، حفاظت و حمایت از مراتع کشورمان بود، چراکه مردم به این منابع دست‌درازی می‌کردند و آنها را می‌کندند، برای همین تصمیم گرفته شد، همین گیاهانی که مورد تعرض مردم قرار می‌گرفتند، تولید شوند، تا در مراتع از آنها محافظت شود. سپس به این نتیجه رسیدند که هر چند تولید این گیاهان در نهایت برای حمایت از مراتع است، اما بهتر آن است که از منابع طبیعی جدا شود و در زیرمجموعه معاونت باغبانی قرار گیرد. البته که از نظر ما این ساختار ایراداتی هم دارد، اما

که شاید حکم مجری آن را وزیر صادر نکرده باشد و این حکم از طرف معاون وزیر ابلاغ شده باشد، این در حالی است که حکم آقای دکتر پورمقدم از طرف شخص وزیر ابلاغ شده است، در نتیجه نفوذ کلام ایشان و مدیریت ایشان باید در حدی باشد که همه انتظار دارند، که هر سیاستی در ارتباط با زراعت چوب در کشور روی می‌دهد، از کانال ایشان می‌گذرد، که اگر غیر از این باشد یعنی ایشان (با عرض معذرت) مراعات حال دیگران را کردند که هر چند رسم احترام بوده، به ضرر صنوبرکاران تمام شده است، چون نوعی تداخل و دوگانگی مدیریتی ایجاد شده است، به‌طوری که سازمان منابع طبیعی می‌تواند همه محاسن زراعت چوب را به خود منتسب کند و همه معایش را به ایشان ارتباط دهد، ایشان هم می‌توانند متقابلاً همین رفتار را با آنها انجام دهند، کسی هم مسئولیت صددرصد را عهده‌دار نیست. همان‌طور که ایشان فرمودند، شاید سیاست وزیر محترم جدید متفاوت باشد، شاید تشکیلات عوض شود، در هر صورت، اگر قرار است طرح زراعت چوب با

طبیعت ایران: تعدادی از همکاران سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری به صورت ویناری با جلسه ارتباط دارند که پاسخ و نظرات ایشان را هم خواهیم شنید. جناب آقای مهندس امین پور، جناب عالی سال‌های طولانی در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری مجری طرح صنوبر بودید و با صنوبرکاران مرتبط هستید. نظر جناب عالی در مورد چالش‌های عدم توسعه کشت صنوبر چیست و چه راهکارهایی در این مورد دارید؟



آقای مهندس طالب امین پور (کارشناس بازنشسته سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، عضو سابق شورای عالی جنگل و مجری سابق طرح زراعت چوب) با سلام، بنده امین پور هستم، بازنشسته سازمان جنگل‌ها و عضو سابق شورای عالی جنگل و ۱۴ سال، مجری طرح زراعت چوب بودم. بنده این طرح را در سال ۱۳۸۳ با همراهی آقای مهندس آقازمانی تهیه کردیم، موافقت‌نامه‌ها و سایر ملزوماتش را در همان زمان انجام دادیم. بنده چهارده سال مدیریت مستقیم طرح را در سازمان جنگل‌ها بر عهده داشتم. طبیعی است که

کردم وقتی درباره این مصوبات، عدم اجازه قطع و مجوز دوباره بهره‌برداری و ... شنیدم، دوستانه عرض می‌کنم که این‌ها از ثمرات طرح تنفس جنگل‌هاست. طرحی که متأسفانه نتوانستیم به درستی اجرایش کنیم، نتوانستیم مرز مشخصی بین جنگل و غیرجنگل ترسیم کنیم، نتوانستیم برای زراعت چوب ارزش و اهمیت قائل شویم، بارها و بارها در جلسات برگزارشده در سازمان صحبت کردیم و گفتیم، صنوبر گونه غیرجنگلی است و احتیاجی به مجوز قطع ندارد، اگر در صنوبرکاریها، درختان توسکا، ممرز یا بلوط یا هر درخت جنگلی دیگر روییده بود، آن را قطع نکنید. با شنیدن موارد مطرح‌شده در نشست امروز، واقعاً تعجب کردم، با این تفاسیر، چطور می‌توان صنوبرکاری را توسعه داد؟ وقتی بخش خصوصی رغبتی برای این کار ندارد، بخش دولتی هم در جریان برنامه جنگل و جنگل‌کاری و درخت‌کاری و زراعت نیست، چطور می‌توان این طرح را ادامه داد؟ این تصمیمات عجیب چطور گرفته می‌شود؟ آقای دکتر پورمقدم این تصمیم، در شورای جنگل و مرتع گرفته شده است یا در دفاتر سازمان؟ آقای دکتر پورمقدم: متأسفانه این تصمیم، تصمیم درستی نبود.

آقای دکتر علیزاده: فکر می‌کنم ایشان کلیات را فرمودند، نیازی نیست وارد جزئیات شویم، به هر حال مجری محترم طرح هم با این تصمیم گرفته‌شده، موافق نیستند، انتظار بنده به عنوان یکی از اعضای این نشست این بود که، نفوذ کلام و قدرت مدیریتی مجری طرح باید در حدی باشد که مانع تصویب و ابلاغ این دست مصوبات باشد، انشاءالله در صورت ادامه این مسیر، باید اختیار و قدرت کافی برای مجری، از وزیر محترم درخواست شود.

آقای دکتر پورمقدم: متأسفانه این بخشنامه بدون اطلاع بنده تنظیم و ابلاغ و به محض اطلاع بنده لغو شد. بعد از اینکه مطلع شدیم، ابلاغیه زدیم و آزادش کردیم. دوباره می‌فرمایند، ۱۴۰۳/۷/۱ مجوز قطع ابلاغ شد، که این هم بدون اطلاع بنده بوده است. ۱۴۰۳/۵/۱ آزادش کردند و دوباره ۱۴۰۳/۷/۱ مجوز قطع ابلاغ شد.



طبیعت ایران: جناب آقای دکتر ثاقب طالبی لطفاً نظرات خود را در خصوص موضوع جلسه و موانع و چالش‌های توسعه زراعت چوب مطرح نمایید. آقای دکتر ثاقب طالبی (معاون پژوهش، فناوری و انتقال یافته‌ها مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور)

ضمن عرض سلام خدمت همه عزیزان و بزرگواران حاضر در جلسه، بسیار خوشحالم که تعدادی از دوستان را دوباره زیارت می‌کنم، متأسفم از اینکه ارتباط و بیناری ما با دوستانی که به صورت مجازی شرکت کرده بودند، قطع شده است. امیدوارم مشکل به‌زودی برطرف شود. بنده تقریباً در سال ۱۳۶۲ در این مؤسسه استخدام شدم و کارم را پیرامون درختان صنوبر، به اتفاق مرحوم مهندس ضیایی ضیابری (که خدا رحمتش کند، جای خالی‌اش امروز به‌شدت احساس می‌شود) شروع کردم. سال‌ها روی کلن‌های مختلف صنوبر، فواصل مختلف کاشت و میزان تولید آن در ایستگاه خوشامیان چالوس و در ایستگاه صفرایسته آستانه اشرفیه با هم کار می‌کردیم. هرچند خودم را جنگلبان می‌دانم، صنوبر هم یکی از علایق شدید قلبی من است، امروز به‌شدت تعجب



بهرتر می‌توانم، چالش‌ها و مسائلش را مطرح کنم. دو سال آخر را با ابلاغ رئیس وقت سازمان، به‌عنوان مشاور و مجری ملی زراعت چوب سازمان جنگل‌ها گذراندم، در سال ۱۳۹۸ استعفا دادم و آقای دکتر پورمقدم تولی‌گری طرح را به دست گرفتند. آقای دکتر علیزاده، متأسفانه این طرح، طرح مظلومی است. بنده همیشه این را خدمت دکتر مدیررحمتی و سایر دوستان عرض می‌کنم، متأسفانه هیچ‌وقت جایگاه این طرح تشخیص داده نشد، هیچ‌وقت مبنای این طرح درک نشد، هیچ‌وقت ماهیت این طرح مشخص نشد، هیچ‌وقت از این طرح حمایت نشد، لاقلاً در این چهارده سال، که مدیریت آن به‌طور مستقیم بر عهده بنده بود، هیچ اقدام مثبتی مشاهده نکردم. علت‌ها هم مشخص بود، ۱- حاکمیت سلائق مدیریتی بر این طرح و ۲- نبود جایگاه تشکیلاتی رسمی. همه ما اعتقاد داریم، این طرح، طرحی اساسی، لازم و تولیدی برای صنعت، فراوری، درآمدزایی و اشتغال است، پس ضروری است که جایگاه مشخصی داشته باشد. بنده معتقدم، جایگاه این طرح از نظر تخصصی، فنی و علمی در سازمان جنگل‌ها نیست، چرا؟ چون تخصص‌های کارشناسی در آن نیست. تخصص سازمان جنگل، مرتع، بیابان یا آبخیز است، آنها اطلاعی از هرس، کود، آب، شخم و دیسک ندارند. بنده در آن ۱۴ سال، نتوانستم حتی یک کارشناس، برای این طرح تربیت کنم، چون تخصص زیربنایی نداشت، بنابراین، آقای دکتر علیزاده مشکل اینجا بود که این طرح، یک طرح تخصصی خاص بود، من اعتقاد دارم، ماحصل اجرای این طرح، یک باغ چوب است، بنابراین باید با آن تخصص به آن نگاه کرد. پس اختلاف ما در مبنای است، زمانی که بپذیریم این طرح یک درخت‌کاری صرف نیست، بکار و در روکن نیست، این طرح در واقع، مدیریت مزرعه است، یعنی کاشت، داشت، برداشت، اقتصاد و در نهایت فراوری. یک پروژه است، یک پکیج است، یک برنامه است، اصلاً طرح نیست، برنامه است. متأسفانه چون به آن به‌عنوان درخت‌کاری نگاه می‌شود،

اشتباه می‌کنیم و از برنامه منحرف می‌شویم و نمی‌توانیم به‌طور دقیق نظر بدهیم. خواهشمندم، نگاه به زراعت چوب را عوض کنید. زراعت چوب یعنی تحقیقات، صنعت، کشت‌وکار، فعالیت‌های بین‌المللی، کمیسیون بین‌المللی، موضوع بسیار عجیبی است، بسیار گسترده‌تر از نگاهی که ما به این طرح داریم، پس فقط کاشت صنوبر نیست. به‌طوری‌که بنده نیز در سازمان جنگل‌ها نتوانستم حتی یک هکتار از آن را تا آخر مدیریت کنم، چون نمی‌توانستم نظارت کنم، ابزار نداشتم، یک سال تسهیلات می‌دادند و یک سال نمی‌دادند، درخواست تسهیلات می‌کردم، می‌گفتند: اولویت ما چیزهای دیگری است، اولویت هرچه بود، زراعت چوب نبود. بنده از ۸ سال پیش به این نتیجه رسیدم که جایگاه این طرح باید طوری باشد که بتواند نهاده بگیرد، بتواند حمایت مستقیم بگیرد، بتواند تسهیلات بگیرد و بیمه صنعت، پشتیبانش باشد. بنده در اینجا از ترویج، آموزش و تحقیقات بسیار تشکر می‌کنم، در این چند سالی که در خدمت دوستان بودیم و جلساتی برگزار می‌کردیم، این‌ها ابزارهای تحقیقاتی در اختیارمان می‌گذاشتند، کلن‌های اصلاح‌شده معرفی و ارائه می‌کردند و راهکارهای خوبی برای ما تعیین می‌کردند، ولی آقای دکتر، جایگاه این طرح آنجا نبود. بنده در سال ۱۳۹۸ و به اجبار، در زمان آقای آقای، مجبور به استعفا شدم. دیگر در آن شرایط نمی‌توانستم مدیریت کنم، هیچ امکاناتی نداشتم، نه ابزار، نه جایگاه و نه حتی تشکیلات. آقای دکتر به‌درستی فرمودید، چرا به مجری که با حکم وزیر انتخاب شده است، احترام نمی‌گذاریم؟ چرا به او کمک نمی‌کنیم تا این طرح ملی به‌نحو مطلوب پیش برود؟ چرا امروز کشاورز باید بگوید، سازمان امروز یک بخشنامه ابلاغ می‌کند و فردا یک بخشنامه دیگر؟ چرا این موضوع با مجری ملی هماهنگ نمی‌شود؟ در مقوله زراعت چوب هر تصمیمی که گرفته می‌شود، باید با مجری طرح هماهنگ باشد، هرگونه تصمیمی برای کشت صنوبر، اکالیپتوس و گونه‌های سریع‌الرشد باید با نظر مجری طرح گرفته شود. مثل موضوع

گیاهان دارویی، مثل موضوع گندم. دوستان از آنجایی‌که بنده، طراح این طرح بودم، در همه این سال‌ها، از آن مثل یک بچه مراقبت کردم تا صدمه نبیند و از آسیب‌ها دور بماند. بسیار خوشحالم که هم‌اکنون، آقای دکتر پورمقدم، دوست عزیز بنده، مجری این طرح هستند، بنده ۲۵ سال خدمت ایشان کار کردم، از نظر بنده، جایگاه ایشان مناسب است، فقط نیاز به حمایت و تقویت دارد، لطفاً موضوعات حاشیه‌ای و مازاد را پاک کنید. آقای دکتر، این فعالیت توسعه‌ای در واقع پوشش پایدار ایجاد نمی‌کند، هدف این فعالیت، تولید است. محصول که چوب است، در سال‌های سوم، پنجم و هشتم برداشت می‌شود، پس این یک فرایند تولیدی است. با این نگاه، از آن حمایت کنیم. از همگی دوستان، چه کشاورزان و چه دوستان تحقیقات، خواهشمندم، پشتیبان مجری باشید، از او حمایت کنید، برای ساختار تشکیلاتی‌اش تلاش کنید، تا زمانی که تشکیلات آن وجهه رسمی نداشته باشد، در خطر آسیب است. تلاش کنیم، دستاوردهای به‌دست‌آمده با کمک بخش تحقیقات، به‌سادگی از بین نرود. در پایان، امیدوارم برگزاری این جلسات تداوم داشته باشد، از نظر بنده بررسی چالش‌ها و هم‌فکری می‌تواند به موفقیت این طرح کمک کند.

طبیعت ایران: آقای مهندس امین‌پور، با توجه به تجربیات طولانی در مورد صنوبر معتقدند، ماهیت این طرح زراعی-باغی است. در نتیجه می‌تواند به‌صورت مستقل توسط مجری محترم طرح زیر نظر وزیر محترم فعالیتش را با قوت انجام دهد و حواشی ایجاد شده باید با مدیریت و اختیارات کافی برطرف شود.

آقای دکتر کیادلیری، جناب‌عالی هم در دانشگاه و هم در انجمن علمی جنگل‌بانی، از نزدیک پیگیر مسائل مربوط به جنگل و صنوبر هستید. نظر جناب‌عالی در مورد موضوع جلسه چیست؟ برای توسعه کشت صنوبر چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟





آقای دکتر هادی کیادلیری (مدیر گروه جنگلداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران)

ضمن عرض سلام، بنده نیز بسیار خوشحالم از اینکه در خدمت دوستان هستم. هم‌زمان که به صحبت‌های دوستان گوش می‌دادم، به جاده چالوس فکر می‌کردم، از آنجایی که شمالی هستم و زیاد در این مسیر تردد می‌کنم، ترافیک روزهای تعطیل را از نزدیک تجربه کرده‌ام، ده ساعت در ترافیک می‌مانم، با گوگل‌مپ یا جی‌پی‌اس مسیر را کنترل می‌کنم، همیشه یک نقطه خاص تا سیاه‌پوش قرمز است و بعد از آن، تردد کاملاً روان می‌شود، هیچ‌وقت هم، هیچ‌کس مشکل این نقطه را حل نمی‌کند، این موضوع همیشه برابم سؤال است. یک‌بار ایستادم و با دوستانی که مسئول ترافیک هستند، صحبت کردم. پرسیدم چرا اینجا جلوی پارک ماشین‌ها را نمی‌گیرید تا ترافیک ایجاد نشود؟ بعد از کلی صحبت، به ناهار دعوت‌م کردند. منظور از طرح نمونه ترافیک جاده چالوس اینکه، تا هنگامی که مشکلات اداری و اجرایی حل نشود، روش‌ها، کارها و ایده‌های بهینه، که شما ارائه می‌دهید، بدون تردید به بن‌بست می‌رسد. احداث بزرگراه ایده خوبی برای رفع نیاز بود، ولی مسئله ترافیک ده تا بیست ساعتی، مسئله دیگری است. تنفس جنگل همانند بزرگراه بود، مسئله اشتباهی نبود، اتفاقاً بسیار درست بود، اگر فساد رخ می‌دهد،

ربطی به طرح تنفس ندارد. مجوز و پروانه در عمل ایرادی ندارند، در کل دنیا وجود دارند، حتی برای صنوبر. همان‌طور که همه می‌دانید، هم‌اینک آفتی از خانواده *Tenthredinidae* طغیان کرده است، زنبوری که به شدت برگ صنوبر را می‌خورد که ممکن است همه‌گیر نیز شود. بنده این آفت را در سال ۱۳۷۷ برای اولین بار در ایران با نام *Stauronematus compressicornis* از خانواده *Tenthredinidae* معرفی کردم، این آفت می‌تواند رویش صنوبر را به نصف برساند، البته که یکی از دشمنان طبیعی آن، مورچه است. منظور این است دریافت مجوز و پروانه، اصلاً بد نیست، گاهی بسیار مفید است، مشکل اساسی، فساد است که جریان دارد. برای آگاهی شما عرض می‌کنم، پدر بنده کشاورز بودند، خودم اهل شمال کشور هستم، نمی‌خواهم از نظر فنی بگویم، شرایط را کاملاً درک می‌کنم. صنوبر برای اهالی شمال کشور محل درآمد محسوب می‌شود، پول نقد است، یعنی هر وقت روستایی‌ها از نظر معیشتی دچار چالش می‌شوند، از درآمد فروش چوب صنوبر استفاده می‌کنند، پدر بنده هم همین کار را می‌کرد، در هنگام ضرورت، صنوبر می‌فروخت. در واقع تا وقتی جلوی فساد را نگیریم، جایگاه صنوبر را اصلاح نکنیم، فواید آن را نخواهیم دید. از نظر بنده، در درجه اول باید تشکیلاتی برای این مسئله ایجاد شود. دوستان کاملاً درست به مأموریت و هدف طرح زراعت چوب اشاره کردند، هدف طرح کاشت یک میلیارد درخت با هدف این طرح متفاوت است. آقای دکتر عزیزانه، شما در جلسه‌ای که آقای وزیر به اهداف طرح یک میلیارد درخت اشاره می‌کردند، تشریف داشتید، هدف بیشتر، بحث کربن و بحث پوشش بود. زراعت چوب، در واقع یک بخش تولیدی است. همان‌طور که فرمودید، تکلیف این مسئله باید در اسرع وقت روشن شود. موانعی هم بر سر راه زراعت چوب وجود دارد. مثلاً موضوع بیمه، صنوبرکار برای بیمه محصولش دچار چالش است. صنوبر گونه‌ای بسیار آسیب‌پذیر و آب‌دوست است. بروز خشکی به شدت روی آن اثر می‌گذارد، بیمه این محصول بسیار مهم است، تضمین خرید محصول نیز مهم است به‌عنوان مثال، اگر امکان داشت کشاورز رویش محصولش را سالانه می‌فروخت

و بابتش از کارخانه‌دار یا هر کسی که تضمینش می‌کرد، پول می‌گرفت، شاید خریدار ترغیب می‌شد، محصول را بیمه کند. متأسفانه، زراعت چوب در رقابت با کشت محصولات زراعی هم کمی عقب مانده است، ارزش زمین به شدت در شمال کشور افزایش یافته است، متأسفانه این عوامل موجب کاهش تمایل مردم به زراعت چوب شده است. با توجه به شرایط اقتصادی آنها ترجیح می‌دهند از فرصت‌های دیگری استفاده کنند. آقای دکتر کلاگری، در یکی از اسلایدهایی که ارائه دادید، فرمودید، نیاز چوب مصرفی کشور سالانه در حدود ۱۲ میلیون مترمکعب است که از طریق زراعت چوب در مساحت ۳۰۰ هزار هکتار تأمین می‌شود، بنده متوجه نشدم، یعنی می‌توان سالانه ۱۲ میلیون مترمکعب چوب را از ۳۰۰ هزار هکتار زمین برداشت کرد؟ با یک گردش ده‌ساله، هر سال ۳۰ هزار هکتار، یعنی در هر هکتار ۳۵ مترمکعب تولید سالانه و ۳۵۰ مترمکعب در پایان دوره. چگونه سالانه ۱۲ میلیون مترمکعب را به دست آورید؟ ۱۲ میلیون را تقسیم بر ۳۰ هزار کنید، جقدر می‌شود؟ آقای دکتر کلاگری: ۳۰۰۰۰ هکتار ضرب‌در ۳۵۰ مترمکعب در هر هکتار تولید چوب را برداشت می‌کنیم و می‌شود ۱۰-۱۱ میلیون. آقای دکتر کیادلیری: بنده از آقای ضیاری (خدا رحمتشان کند) خاطره‌ای دارم. بالاترین رقمی که در واقع مؤسسه از نظر تحقیقاتی نه اجرایی ارائه کرده، حداکثر ۲۶-۲۸ مترمکعب بوده است. براساس واقعیات جلو برویم. در هر هکتار به‌طور میانگین ۱۴۰ مترمکعب در هکتار برداشت می‌کنیم، این رقم با آمار تحقیقاتی مؤسسه همخوانی ندارد. آقای دکتر کلاگری: جناب آقای بابازاده هم‌اکنون صنوبرکار پیش‌رو در غرب استان گیلان هستند، تولید چوب در هکتار در سال ایشان بیش از ۳۵ مترمکعب است و هفت‌ساله هم برداشت می‌کنند آقای بابازاده: آقای دکتر، ما از چهارساله برداشت می‌کنیم تا هفت‌ساله. البته که کشت تلفیقی را نیز اضافه کردیم. شما به ما آموزش دادید و ما هم برای رسیدن به اهدافمان ثبات داشتیم. به آموخته‌هایمان افزودیم و با توجه به نیازهای معیشتی‌مان از چهارساله برداشت می‌کنیم، برای مثال به زراعت برادرم اشاره می‌کنم، ایشان بازنشسته هستند و نیاز مالی ندارند، بنابراین

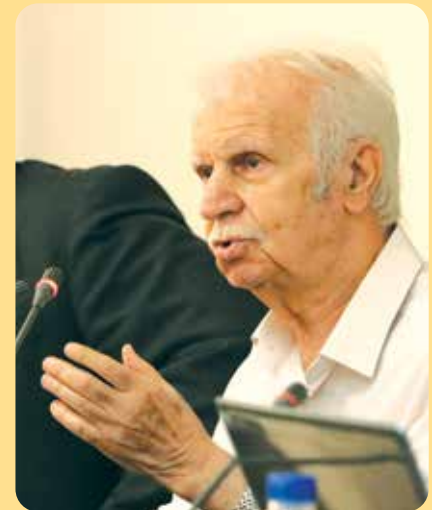


هفت‌ساله برداشت می‌کنند، هفت‌ساله‌اش بیش از ۲۰۰ مترمکعب است، ۱۴۰ مترمکعب برای ۴ سال است. قلمه صنوبر را بعد از یک هفته در ضلع شمالی‌اش کود می‌زنیم، این‌طوری نتیجه بسیار خوبی می‌گیریم.

آقای دکتر کیادلیری: پیشنهاد می‌کنم، حتماً آمار ارائه‌شده را کنترل نمایید. چون ۱۲ میلیون مترمکعب تقسیم بر ۳۰ هزار هکتار، ۴۰۰ مترمکعب می‌شود، اگر پنج‌سال اول هم استراحت باشد، تقسیم بر پنج، ۸۰ مترمکعب می‌شود. از نظر بنده، عدد اعلام‌شده، بسیار بزرگ است و اگر به اشتباه در محاسبات بیاید، گمراه‌کننده خواهد بود. در پایان دوباره به مسئله آفات و بیماری‌های صنوبر اشاره می‌کنم، این مسئله بسیار جدی است، هم از نظر کاهش رویش و هم از نظر بیمه باید به آن توجه ویژه شود.

آقای دکتر کلاگری: این محاسبات بر اساس استفاده از ارقام موفق و نیز عملیات داشت مناسب با آبیاری منظم قابل دست‌یابی است.

طبیعت ایران: آقای دکتر مدیررحمتی، جناب عالی سال‌های طولانی، رئیس بخش تحقیقات صنوبر و درختان سریع‌الرشد مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور بودید و از پیشکسوتان توسعه صنوبر در ایران محسوب می‌شوید. لطفاً نظرات خود را در مورد موضوع این جلسه بیان فرمایید.



آقای دکتر مدیررحمتی (عضو هیئت‌علمی بازنشسته و رئیس سابق بخش تحقیقات صنوبر

و درختان سریع‌الرشد مؤسسه) ضمن عرض سلام و ارادت خدمت شما عزیزان حاضر در جلسه، نخست، از سرکار خانم دکتر احمدلو برای برگزاری این نشست، بی‌نهایت سپاسگزارم. پس از حدود چهار دهه حضور و فعالیت در مؤسسه و اجرای طرح‌های تحقیقاتی که به بسیاری از موضوعات منابع طبیعی از جمله زراعت چوب مربوط بود و پس از تجربیات بسیار در شرایط مختلف و مواجهه با کش و قوس‌ها و مشکلات فراوان، شخصاً به این نتیجه رسیدم که متأسفانه خانه از پای‌بست ویران است. بنده به همراه همکارانم، اولین سمینار صنوبر را در سال ۱۳۶۳ (درست ۴۰ سال پیش) در مؤسسه برگزار کردیم، در آن زمان، ۵ یا ۶ سال بود که کارم را در مؤسسه شروع کرده بودم، این سمینار با محوریت آقای دکتر لطفیان که هفته گذشته به رحمت ایزدی رفتند، برگزار شد. روحشان شاد و یادشان گرامی. ایشان برای مدت طولانی رئیس بخش جنگل مؤسسه بودند و در تحقیقات صنوبر نیز فعالیت می‌کردند. این سمینار بسیار پربار بود، چون افراد صاحب نام و برجسته منابع طبیعی همانند زنده‌یادان دکتر جزیره‌ای، مهندس قاسم‌زاده، مهندس بنان، دکتر شجاعی، دکتر طباطبایی و سایر عزیزان در آن حضور داشتند، بیشتر صحبت‌ها و سخنرانی‌ها در این سمینار، پیرامون فعالیت کمیسیون ملی صنوبر و ایجاد تشکیلات وسیع‌تر برای صنوبر بود. با کمک همین عزیزان و در پایان این سمینار، قطعنامه‌ای در دوازده بند تنظیم شد، بند اول و دوم آن راجع به کمیسیون ملی صنوبر و تأسیس مرکز تحقیقات صنوبر بود. البته که کمیسیون ملی صنوبر، از سال‌های پیش از انقلاب در کشور ما سابقه داشته است، این کمیسیون در سال ۱۳۳۲ شمسی در ایران تشکیل شد (که وابسته به کمیسیون بین‌المللی صنوبر بود، که خود این کمیسیون جهانی در سال ۱۳۲۶ شمسی زیر نظر سازمان خواربار جهان در دنیا تشکیل شده بود)، یعنی زمانی که ایران فقط ۱۵ میلیون نفر جمعیت داشت و مشکلات یا مسائل جنگل و زیست‌محیطی هم نداشتیم، آینده‌نگری در آن زمان طوری بود که باور داشتند، باید برای صنوبر و جایگاه

آن فکری کنند. بسیاری از افراد بنام تلاش‌های فراوانی کردند، افرادی چون دکتر تابتی (نویسنده کتاب معروف و ماندگار درختان، درختچه‌ها و جنگل‌های ایران)، مهندس میردامادی (بنیان‌گذار صنوبرکاری نوین در ایران و مؤلف کتاب خزانه‌های آزمایشی صنوبر) و دکتر مهدی‌زاده (اولین رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور) به‌عنوان دبیران کمیسیون ملی صنوبر فعالیت داشتند. قابل ذکر است، همان زمان، در دهه شصت میلادی در کشور ترکیه، کمیسیون ملی صنوبر را تشکیل دادند و به عضویت کمیسیون بین‌المللی صنوبر درآمدند. بعدها هم از طرف همین کمیسیون بین‌المللی صنوبر، حمایت‌های مالی فراوانی دریافت کردند، به‌طوری‌که، کمیسیون بین‌المللی صنوبر، ۷۰ درصد از هزینه‌های احداث مؤسسه تحقیقات صنوبر را در ترکیه تأمین کرد، این‌چنین است که امروزه مشاهده می‌شود، تولید چوب صنوبر در ترکیه به‌مراتب بیشتر از تولید صنوبرهای کشور ماست و تعداد بی‌شماری از ارقام صنوبر آنها، در کشور ما کاشته و بهره‌برداری می‌شود. قابل ذکر است، با جدیت و تلاش‌های بی‌وقفه افرادی که نام بردم، دوازدهمین اجلاس کمیسیون بین‌المللی صنوبر در سال ۱۳۴۴ در ایران برگزار شد. در همان زمان، ارقام زیادی از صنوبر وارد کشور شد که هنوز هم بعد از گذشت حدود ۶۰ سال از آن تاریخ، برخی از این ارقام سازگار بهره‌برداری می‌شود. هرچند بعد از آن هم، تعدادی ارقام جدید صنوبر وارد شد که هم‌اکنون نیز کشت و کار می‌شود، ولی هیچ‌وقت جایگزین ارقام قدیمی صنوبر نشد، چون عرصه‌های قدیمی صنوبر، حالت خودترویجی داشتند و در معرض دید بهره‌برداران آن زمان بودند. معمولاً ایستگاه‌های صنوبر را جایی انتخاب می‌کردند که در قلب صنوبرکاری‌های هر منطقه بود، یعنی صنوبرکار از آنها استفاده می‌کرد. به‌هرحال بعد از اینکه قطعنامه در سال ۱۳۶۳ آماده شد، بنابر بند اول آن با هدف تشکیل کمیسیون ملی صنوبر به اتفاق آقای مهندس حاج‌میرصادقی (از همکاران

سازمان جنگل‌ها) به مقام معاون سازمان جنگل‌ها مراجعه کردیم، متأسفانه ایشان ما را به حضور نپذیرفتند. اساسنامه را گرفتند و بعد از دو یا سه روز با حاشیه‌نویسی‌هایی آن را به ما برگرداندند، نکات موردنظر ایشان هم فقط مربوط به تشکیلات می‌شد، اینکه وظیفه دبیرکل چیست؟ شورا چه کاری انجام می‌دهد؟ باوجود کمیسیون، شورا چه وظیفه‌ای دارد؟ درواقع، هیچ توجهی به اصل موضوع کمیسیون صنوبر نکردند، اینکه وجود آن تاکنون چه منافع و مزایایی در دنیا، در کشور همسایه ترکیه و حتی در خود ایران داشته است، حتی بعد از ۲ روز نتوانستیم اهمیت موضوع را حضوری توضیح بدهیم. این در حالی بود که ایشان، به‌عنوان مقام مسئول سازمان جنگل‌ها و طبق اساسنامه کمیسیون ملی صنوبر، رئیس کمیسیون هم محسوب می‌شدند، اما متأسفانه هیچ‌گونه اشرافی بر اصل موضوع نداشتند. این چنین شد که روی این اساسنامه به‌طورکلی خط بطلان کشیده شد. سرخوردگی و دلسردی ما دلیلی شد که از حدود ۲۰ تا ۲۵ سال، دنبال کمیسیون ملی صنوبر نرفتیم. درمورد بند دیگر قطعنامه سمینار، یعنی تأسیس مرکز تحقیقات صنوبر با همکاری به دفتر وزیر وقت کشاورزی مراجعه کردیم که متأسفانه این موضوع هم مورد موافقت قرار نگرفت. سال‌ها بعد از آن، در سال ۱۳۸۷ به پیشنهاد آقای مهندس مقدسی، که قائم‌مقام وقت سازمان بودند و قول همکاری دادند، دوباره موضوع کمیسیون ملی صنوبر را شروع کردیم و با چه مسائل و مشکلات جدیدی که مواجه شدیم، در همان زمان به این نتیجه رسیدیم که مسئولان رده بالای ما به‌طورکلی اشرافی بر مسائل زراعت چوب یا حتی اهمیت و ارزش خود جنگل‌ها ندارند، وقتی هم توضیح می‌دهیم سعی می‌کنند به شکلی وظیفه‌ای را انجام دهند که اصلاً از آن سر در نمی‌آورند. چندین بار، در شورای معاونین سازمان جنگل‌ها شرکت کردیم، همان‌جا پیشنهاد شد جایگاه زراعت چوب باید در معاونت زراعت باشد، همان بحثی که امروز به آن اشاره شد. متأسفانه در این جلسه هم بعضی از دوستان با این جایگاه موافق

هستند، در کمال احترام، از نظر بنده این جایگاه برای صنوبر قابل قبول نیست، در ادامه دلایل خود را مطرح می‌کنم: ۱- در مؤسسه تحقیقات از حدود ۶۰ سال پیش تحقیقات صنوبر به‌صورت منسجم و فعال پیگیری می‌شود و تاکنون، نتایج درخشانی نیز حاصل شده است. ۲- عنوان «زراعت چوب» تنها برای طرح‌های بهره‌برداری کوتاه‌مدت کاربرد دارد که برای برداشت، از ماشین‌های تمام‌اتوماتیک استفاده می‌شود همانند کمباین که برای مزارع غلات در اروپا ساخته شده است و از ۴۰ سال پیش کاربرد دارد، در مقالات یا گزارش‌های خارجی برای طرح‌های بهره‌برداری کوتاه‌مدت از واژه *wood cultivation* یا *wood farming*، که مترادف با اصطلاح زراعت چوب است، استفاده می‌شود. ۳- برای بهره‌برداری کوتاه‌مدت صنوبر، تعداد محدودی از ارقام مناسب، موجود هستند. بسیاری از ارقام صنوبر مثل سفیدپلت، صنوبر بومی کشورمان *Populus caspica*، که از جلگه تا ارتفاعات جنگل‌های شمال تا ۱۵۰۰ متری انتشار دارد، اصلاً برای سیستم بهره‌برداری کوتاه‌مدت مناسب نیست. رشد این گونه از حدود ۱۵ سالگی، شروع می‌شود و بهره‌برداری از آن، از حدود ۴۰ سالگی امکان‌پذیر است، صنوبر لرزان *P. tremula* نیز که در ارتفاعات کوه‌های آلپ تا ۳۵۰۰ متری می‌روید، از گونه‌های ارزشمند صنوبر است یا صنوبر سیلیاتا *P. ciliata* که بومی کشور هندوستان است و در کوه‌های هیمالیا انتشار دارد یا گونه *P. trichocarpa* از گونه‌های ارزشمند امریکای شمالی که در ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر در کشور ما نیز از رشد خوبی برخوردار است، هیچ‌یک از این گونه‌ها در بهره‌برداری کوتاه‌مدت موفق نبوده است و تعداد بی‌شمار دیگری از گونه‌های ارزشمند صنوبر، که در بهره‌برداری‌های کوتاه‌مدت کاربرد ندارند هرچند گونه‌های مناسبی برای مناطق مختلف کشورمان محسوب می‌شوند. ۴- تمام این گونه‌ها همانند گونه سفیدپلت گونه‌های جنگلی محسوب می‌شوند و نیاز به تمام عملیات پرورشی جنگل‌شناسی دارند. ۵- چه در مؤسسه

تحقیقات و چه در سازمان جنگل‌ها، از زمان‌های قدیم عنوان «صنوبر و درختان سریع‌الرشد» به‌درستی انتخاب شده است، متأسفانه ترکیب «زراعت چوب» به‌تازگی باب شده است. در نتیجه، جایگاه واقعی صنوبر در «منابع طبیعی» کشور است که تخصص جنگل و در کنارش باغبانی ضرورت دارد. ۶- همکاران ما در حال حاضر، در بخش تحقیقات صنوبر، با اندوخته چندین سال فعالیت تحقیقاتی و حتی اجرایی و تخصص تحصیلی رشته‌های مختلف جنگل می‌توانند به‌طور یقین با برنامه‌ریزی دقیق و حمایت مسئولان کشور موفقیت‌های زیادی را به‌ویژه در توسعه صنوبرکاری در کشور رقم بزنند. در صورت انتقال به معاونت زراعت، نبود تخصص زیربنایی اولیه و نداشتن شناخت، حتی در اندازه محدود در سرشت گونه‌های مختلف صنوبر با توجه به رشته تحصیلی و تخصص کاری پرسنل و بسیاری از مشکلات دیگر می‌تواند اثرهای منفی حتی تخریب بیشتر جنگل‌های کشور را به‌دنبال داشته باشد. رصد کردن مدام جنگل‌های کشور نیز، که سنجش و تعیین اثرهای توسعه صنوبرکاری را ضروری می‌کند، تنها توسط افرادی با تخصص جنگل ممکن است. ضمن اینکه در کشورهای دیگر، که فعالیت‌های صنوبر در مؤسسات مستقل پیگیری نمی‌شود، این وظیفه معمولاً توسط بخش‌های جنگل در دانشگاه‌ها یا مراکز تحقیقاتی منابع طبیعی دنبال می‌شود. «چرا می‌گویید کمیسیون ملی صنوبر، چرا مثلاً نمی‌گویید کمیسیون ملی چنار؟» این نکته تعجب‌برانگیزی بود که در شورای معاونین سازمان جنگل شنیدیم. تصور کنید در چنین موقعیتی و در حضور افراد غیرمتخصص، توضیح این مسئله مهم، چقدر می‌تواند نفس‌گیر باشد. در نهایت البته، متقاعد شدند و کار شروع شد. در همین زمان، مقام معاون سازمان جنگل تغییر کرد، بنابراین، دوباره مجبور شدیم مسئله کمیسیون ملی صنوبر و همه این موارد را از ابتدا توضیح بدهیم. دوباره به شورای معاونین رفتیم، در شورا هم تغییراتی پیش آمده بود. موضوع تغییر پست‌ها و سمت‌ها باز هم به فاصله ۶ ماه یا ۷



مساحی صنوبرکاری های استان مرکزی - خمین - نیشهر

و سیاست‌گذاری به فرد متکی نباشد و کمیسیون ملی صنوبر این مهم را برعهده گیرد که با تغییر فرد برنامه‌ها دچار اختلال نشوند همان‌طور که در ابتدای جلسه اعلام کردیم، این میزگرد، در قالب نشست نخبگانی مؤسسه برگزار شده است که از آن برای گفت‌و‌گوی چالشی «نشریه طبیعت ایران» نیز بهره بردیم تا مطالب ارزشمند ارائه‌شده را در اختیار مخاطبان نشریه، علاقه‌مندان موضوع و مسئولان کشور قرار دهیم. با توجه به طولانی شدن این بحث، بخشی از مطالب را در این شماره از نشریه و بخش دوم آن را در شماره بعدی، منتشر خواهیم کرد. در پایان این بخش، از همه عزیزانی که در جلسه حضور داشتند و تجربیات خود را بدون چشمداشت در اختیار علاقه‌مندان قرار دادند، قدردانی می‌کنیم و امیدواریم مطالب ارائه‌شده، ما را در دستیابی به اهدافمان در بحث زراعت چوب یاری نماید. ادامه دارد ...

می‌شود، اتفاقی نمی‌افتد، ولی وقتی دو هفته، تخم‌مرغ کمیاب شود، مردم از پا درمی‌آیند. صنوبر و درختان سریع‌الرشد محصولات استراتژیک هستند، اگر با روند فعلی جلو برویم، در کشور اتفاق سازنده‌ای روی نخواهد داد. تا زمانی که اداره کشور، قائم به فرد باشد، موفقیتی حاصل نخواهد شد. از این نوع، نشست‌ها بسیار برگزار شده، نتیجه چه بوده است؟ در پایان برای همه عزیزان آرزوی سلامتی می‌کنم.

طبیعت ایران: آقای دکتر از سخنان جناب عالی بسیار بهره بردیم. بی‌شک جناب عالی حق بسیار بزرگی بر گردن مؤسسه و بخش تحقیقات صنوبر دارید. از معرفی رقم گرفته تا شیوه‌های برداشت صنوبر (کوتاه‌مدت و درازمدت) همه، نتیجه تلاش جناب عالی و همکارانتان در بخش صنوبر بوده است. بیانات شما نشان می‌دهد، تغییر مدیریت‌ها و به‌دنبال آن تغییر سیاست‌ها، آثار مخربی در توسعه کشت صنوبر داشته و زارعین و صنوبرکاران را با مشکل روبه‌رو کرده است. راه‌حل این است که برنامه‌ریزی

ماه بعد دوباره تکرار شد. مذاکره‌های چندباره و متقاعد کردن افراد، واقعاً فرایند نفس‌گیری بود. از نظر بنده افرادی که هم‌اینک در مقام بالایی مشغول فعالیت هستند، به‌درستی به وظایف خود آگاه نیستند. کارگروه‌ها را تشکیل دادیم و جلسات مختلفی هم برگزار کردیم، بسیاری از عزیزانی که امروز در این نشست تشریف دارند، در آن زمان هم در جلسات حضور داشتند. بعد از مدتی دوباره، رئیس سازمان عوض شد. این فرایندی که عرض کردم، حدود ۸ تا ۹ سال طول کشید و به جایی رسید که بنده دیگر توانایی پیگیری امور مربوط به کمیسیون ملی صنوبر را نداشتم، هرچند که وجود این کمیسیون برای کشور بسیار ضروری، واجب و حیاتی است. درواقع، همه بحث‌های مطرح‌شده این نشست باید در قالب کمیسیون ملی صنوبر حل شود. ما چه انتظاری داریم، وقتی آقای دکتر پورمقدم می‌گویند، با آمدن وزیر جدید ممکن است سیاست‌ها تغییر کند، با تغییر افراد که نباید سیاست‌ها عوض شود، اگر این چنین باشد، همه چیز به هم می‌ریزد. وقتی چهل میلیون درخت شمشاد نابود